





### سیمای سوره‌ی مؤمنون

این سوره که یکصد و هجده آیه دارد، در مکه نازل شده است. با توجه به بیان سیمای مؤمنان و آثار و نشانه‌های ایمان در آیات ابتدایی این سوره، نام «مؤمنون» برای آن انتخاب گردیده است. البته سرگذشت پیامبرانی چون حضرت نوح، هود، موسی و عیسی علیهم‌السلام و پاسخ اقوام مختلف به دعوت آنان در ادامه آمده است.

در فضیلت تلاوت این سوره، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: تداوم بر تلاوت این سوره خصوصاً در روزهای جمعه، مایه‌ی سعادت دنیا و آخرت و همنشینی با پیامبران الهی در فردوس برین می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

---

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿ ۲ ﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

قطعا مؤمنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند.

### نکته‌ها:

□ در قرآن، یازده مورد کلمه‌ی فلاح (رستگاری) با کلمه‌ی «لعل» (شاید) همراه است: «لعلکم تفلحون» لیکن در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است، یکی در همین سوره و یکی در سوره‌ی شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» و دیگری در سوره‌ی اعلی: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى». از مقایسه این سه مورد با یکدیگر، روشن می‌شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند.

□ برترین و آخرین هدف تمام برنامه‌های اسلام، فلاح و رستگاری است. در بسیاری از آیات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احکام دین هم رسیدن به تقواست: «لعلکم تتقون»<sup>(۱)</sup> و آخرین هدف تقوا نیز فلاح است: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>(۲)</sup> جالب است که مهم‌ترین و آخرین هدف دین اسلام در اولین شعار آن آمده است: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فْلَحُوا» به یگانگی خداوند ایمان آورید و «لا اله الا الله» بگوئید تا رستگار شوید.

□ هر شبانه روز، در اذان و اقامه‌ی نمازهای یومیّه جمله‌ی «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» را بیست بار بر زبان می‌آوریم و هدف نهائی را با فریاد رسا اعلام می‌کنیم، تا راه را گم نکنیم.

□ اسلام می‌گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى»<sup>(۳)</sup> کسانی رستگارند که ایمان و

۱. بقره، ۱۸۳.

۲. آل عمران، ۱۳۰.

۳. اعلی، ۱۴.

تزکیه‌ی نفس داشته باشند، ولی کفر می‌گوید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى﴾<sup>(۱)</sup> فرعون می‌گفت: امروز هر کس زور و برتری دارد رستگار است.

□ کلمه‌ی «فَلاَح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورز، «فَلاَح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را فراهم می‌کند. دانه که در خاک قرار می‌گیرد با سه عمل خود را نجات می‌دهد و به فضای باز می‌رسد: اول آنکه ریشه‌ی خود را به عمق زمین بند می‌کند. دوم اینکه مواد غذایی زمین را جذب می‌کند. سوم آنکه خاک‌های مزاحم را دفع می‌کند. آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی‌های مادّیات و هوسها و طاغوت‌ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد: اول ریشه‌ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند. دوم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند. سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه «لا اله» دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

□ شخصی در حال نماز با ریش خود بازی می‌کرد، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: اگر او در دل خشوع داشت، در عمل این گونه نماز نمی‌خواند.<sup>(۲)</sup>

□ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از خشوع در نماز، فرونهادن چشم است.<sup>(۳)</sup>

### چه کسانی رستگارند؟

۱. عابدان. ﴿وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۴)</sup> پروردگارتان را پرستش کنید، شاید رستگار شوید.

۲. آنان که اعمالشان ارزشمند و سنگین است. ﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَاولئك هم المفلحون﴾<sup>(۵)</sup>

۳. دوری کنندگان از بخل. ﴿وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَاولئك هم المفلحون﴾<sup>(۶)</sup>

۴. حزب الله. ﴿اولا ان حزب الله هم المفلحون﴾<sup>(۷)</sup> حزب خدا رستگارند.

۵. اهل ذکر کثیر. ﴿واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون﴾<sup>(۸)</sup> خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

۱. طه، ۶۴. ۲. تفسیر کنزالدقائق.

۳. بحار، ج ۸۱، ص ۲۶۴.

۴. حشر، ۹.

۵. اعراف، ۸.

۶. حج، ۷۷.

۷. انفال، ۴۵.

۸. مجادله، ۲۲.

۶- تقوا پیشگان. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۱)</sup> ای خردمندان! تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.

۷- مجاهدان. ﴿وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۲)</sup> در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید.

۸- توبه کنندگان. ﴿تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾<sup>(۳)</sup> ای اهل ایمان! همگی توبه کنید تا رستگار شوید.

### پیام‌ها:

۱- رستگاری مؤمنان حتمی است. ﴿قَدْ أَفْلَحَ﴾

۲- ایمان، شرایط و نشانه‌هایی دارد. ﴿الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ...﴾

۳- نماز، در رأس برنامه‌های اسلامی است. ﴿فِي صَلَاتِهِمْ﴾

۴- در نماز، حالت و کیفیت مهم است. ﴿خَاشِعُونَ﴾

﴿۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّعْوَ مُعْرِضُونَ ﴿۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

و آنان که از بیهوده روی گردانند. و همان کسانی که زکات می‌پردازند.

﴿۵﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۶﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

و آنان که دامان خود را (از گناه) حفظ می‌کنند. مگر در مورد همسرانشان

یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، پس آنان (در آمیزش با این دو گروه)

ملامت نمی‌شوند.

﴿۷﴾ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

پس هر کس فراتر از این (همسر و کنیز) طلب کند، پس آنانند که متجاوزند.

۱. مائده، ۱۰۰.

۲. مائده، ۳۵.

۳. نور، ۳۱.

## نکته‌ها:

- «لغو»، به کار و سخن بیهوده می‌گویند.
- دوری و پرهیز از لغو، مخصوص مسلمانان نیست، قرآن درباره‌ی خوبان اهل کتاب نیز می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ...﴾<sup>(۱)</sup> اهل کتاب با ایمان، از لغو گریزانند.
- «زکات» در لغت، به معنای رشد و نمو و پاکیزگی است و در اصطلاح، یک نوع مالیات شرعی و از ارکان و واجبات دین است.
- در جامعه اسلامی، پاسداری از نماز و ناموس، بسیار مهم است. در همین چند آیه، نسبت به ناموس با تعبیر «حافظون» و درباره نماز با جمله «علی صلواتهم یحافظون» یاد شده است.
- دوری از لغو در دنیا، بهره‌اش، محفوظ ماندن از لغو در قیامت است. ﴿عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾، ﴿لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِغْيَةً﴾<sup>(۲)</sup>
- اعراض از لغو، نباید با بدگویی و تندخویی همراه باشد، زیرا در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: ﴿وَ إِذَا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كَرَامًا﴾<sup>(۳)</sup>
- در روایات برای لغو، نمونه‌هایی آمده است از جمله: سخنی که در آن یاد خدا نباشد و یا غنا و لهویات باشد.<sup>(۴)</sup>
- در روایات می‌خوانیم: جز با زن عقیفه ازدواج نکنید و با کسی که در مال خود او را امین نمی‌دانید، هم‌بستر نشوید.<sup>(۵)</sup>

## اهمیت زکات

- \* زکات، یکی از پنج چیزی است که بنای اسلام بر آن استوار است.
- \* در قرآن ۳۲ بار کلمه «زکات» و ۳۲ بار واژه «بَرَک» آمده، گویا زکات مساوی با برکت است.
- \* پیامبر اکرم ﷺ افرادی را که زکات نمی‌دادند، از مسجد بیرون کرد.
- \* حضرت مهدی علیه السلام در انقلاب بزرگ خود، با تارکین زکات می‌جنگد.

۱. قصص، ۵۲ - ۵۵. ۲. غاشبه، ۱۱. ۳. فرقان، ۷۲. ۴. تفسیر نورالثقلین. ۵. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۵، ص ۴۵۳.

- \* کسی که زکات ندهد، هنگام مرگش به او گفته می‌شود: یهودی بمیر یا مسیحی.
- \* تارک زکات در لحظه‌ی مرگ از خداوند می‌خواهد که او را به دنیا بازگرداند تا کار نیک انجام دهد، اما مهلت او پایان یافته است.
- \* امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم زکات بدهند، هیچ فقیری در زمین باقی نمی‌ماند.

### پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌ی ایمان، دوری از لغو است. ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمن باید در تمام کارها و سخنان خود هدف صحیح داشته باشد)
- ۲- دوری از لغو، به اندازه‌ای مهم است که بین نماز و زکات ذکر شده است. ﴿خَاشِعُونَ - مُعْرِضُونَ - لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾
- ۳- اهمیت زکات مانند اهمیت نماز است. (در ۲۸ آیه، نماز و زکات در کنار هم آمده است) ﴿فِي صَلَوَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾
- ۴- اعتقاد به تنهایی کافی نیست، عمل هم لازم است. ﴿الْمُؤْمِنُونَ... فَاعِلُونَ﴾
- ۵- حیا، شرط ایمان است. ﴿لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ (آلودگی جنسی، نشانه‌ی ضعف ایمان است)
- ۶- شهوت، طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد. ﴿حَافِظُونَ﴾
- ۷- در ارضای غریزه‌ی جنسی، محدودیت لازم است ولی ممنوعیت خلاف فطرت است. ﴿الَّا عَلَىٰ اَزْوَاجِهِمْ﴾
- ۸- حیای نابجا ممنوع. همین که اسلام، انجام کاری را اجازه داد، همه‌ی سنت‌ها و عادت‌ها و سلیقه‌های شخصی و مخالف دین، محکوم است. ﴿غَيْرِ مُلْمِئِينَ﴾
- ۹- قانون شکنی، تجاوز به حدودی که خداوند تعیین نموده می‌باشد. ﴿الْعَادُونَ﴾
- ۱۰- به سراغ گناه رفتن نیز گناه است. ﴿ابْتِغَىٰ - عَادُونَ﴾

﴿ ۸ ﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿ ۹ ﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و (مؤمنان رستگار) کسانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند. و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند.

﴿ ۱۰ ﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿ ۱۱ ﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آنان وارثانند. کسانی که بهشت برین را ارث می‌برند و در آن جاودانه خواهند ماند.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «فردوس» به معنای بوستان، برترین جای بهشت می‌باشد.<sup>(۱)</sup> و چون به جای جنت بکار رفته، برای آن ضمیر مؤنث آمده است.

□ امام صادق علیه السلام در پاسخ از حکم استمناء، آیه‌ی ۷ را تلاوت فرمودند.<sup>(۲)</sup>

#### اهمیت امانت در روایات

\* به نماز و روزه و حج مردم ننگرید، به صداقت و امانتداری آنان بنگرید.<sup>(۳)</sup>

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین لحظه‌های عمر خود به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ادّ الامانة الى البرّ و الفاجر فيما قلّ و جلّ حتّى الخیط و المخیط» امانت را به صاحبش برگردان، چه نیکوکار باشد و چه گناهکار، ناچیز باشد یا ارزشمند، اگر چه مقداری نخ باشد و یا پارچه و لباسی دوخته شده.<sup>(۴)</sup>

\* همه‌ی نعمت‌های مادی، معنوی و سیاسی، امانت الهی هستند. (امام خمینی رحمته الله علیه فرمود: جمهوری اسلامی امانت الهی است)

۱. تفسیر درالمنثور. ۲. وسائل، ج ۱۸، ص ۵۷۵.

۳. میزان الحکمه و سفینه البحار، واژه «امانت». ۴. بحار، ج ۷۷، ص ۲۷۳.



\* قرآن کریم برخی از اهل کتاب را که امانتدار هستند، ستوده است. ﴿و من اهل الكتاب من ان تأمنه بقتار يؤده اليك﴾<sup>(۱)</sup> اگر به برخی از اهل کتاب، مال فراوانی به امانت بسپاری، آن را به تو برمی‌گرداند.

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن، متعهد است. ﴿عهدهم راعون﴾ خلف وعده، نشانه‌ی ضعف ایمان است.
- ۲- مراعات عهد و پیمان لازم است، گرچه در عمل نتوانیم وفا کنیم. ﴿راعون﴾ نه «موفون»
- ۳- در معرفتی سیمای مؤمنان، نماز هم در ابتدا مطرح شد: ﴿فی صلوتهم خاشعون﴾ و هم در پایان ﴿علی صلوتهم یحافظون﴾ این تکرار و تأکید، نشان اهمیت نماز است.

﴿۱۲﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿۱۳﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَظْفَةً

### فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

و همانا ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم.

﴿۱۴﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ

عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ

### أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

سپس از نطفه، لخته خونی آفریدیم، آن گاه لخته خون را پاره‌گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم، و استخوان‌ها را با گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم، پس شایسته‌ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «سُلالة» به معنای عصاره و کلمه «عَلَقَة» به معنای خون غلیظ وبسته شده و کلمه «مُضْغَة» به معنای پاره گوشت بدون استخوان است.
- امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از «خَلْقاً آخِر» دمیده شدن روح در بدن است.<sup>(۱)</sup>
- مراد از «أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» به فرموده امام رضا علیه السلام آن است که قدرت آفریدن را خدا به دیگران نیز داده، مثلاً حضرت عیسی از طرف خداوند می‌آفریند.<sup>(۲)</sup> «أَخْلَقَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ»<sup>(۳)</sup>
- دلایل بهترین خالق بودن خداوند بسیار است از جمله:
  - الف: خالقیت او دائمی است.
  - ب: محدودیت به اشبای خاصی ندارد.
  - ج: تنوع در آن نامحدود است.
  - د: از ساده‌ترین چیز مهم‌ترین را می‌سازد.
  - ه: مواد اولیه‌اش از خودش می‌باشد.
  - و: در ساختن تقلید نمی‌کند.
  - ز: پشیمانی و تردید در او راه ندارد.
  - ح: بر اساس رحمت می‌آفریند، و تمام ساخته‌هایش هدفدار است.
  - ط: ساخته او با نظام هستی هماهنگ است.

## پیام‌ها:

- ۱- یاد گذشته‌ها و ضعف‌های انسان و توجه به قدرت و لطف خداوند، زمینه‌ای است برای تقویت ایمان و عبادت بیشتر. «لقد خلقنا»
- ۲- آفرینش انسان در چند مرحله انجام گرفته است. «طین - نطفة - علقة ...»
- ۳- با این که مادر انواع حرکت‌ها را دارد، ولی رحم او برای فرزندان، جایگاهی

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. بحار، ج ۴، ص ۱۴۷.

۳. آل عمران، ۴۹.

مطمئن است. ﴿قرار مکین﴾

۴- تمام مراحل آفرینش، زیر نظر خداوند است. ﴿خلقتنا - کسونا - انشأنا﴾

۵- ارزش انسان به روح اوست. ﴿خلقاً آخر﴾

۶- خودشناسی، مقدمه‌ی خداشناسی است. ﴿نطفة، علقة، مضغة - فتبارك الله احسن

الخالقین﴾

﴿ ۱۵ ﴾ تُمْ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ ﴿ ۱۶ ﴾ تُمْ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ

سپس بدون تردید بعد از آن (مراحل) می‌میرید. آن گاه شما روز قیامت

برانگیخته می‌شوید.

### نکته‌ها:

□ خداوند در این آیات، مردن را قطعی و حتمی شمرده است، در این جا ذکر کلامی از

امیرالمؤمنین علیه السلام مناسب است:

«فلو أن احداً يجد الى البقاء سُلماً او لدفع الموت سبيلاً لكان ذلك سليمان بن داود عليه السلام الذي

سُخِّرَ له ملك الجنّ و الانس، مع النبوة و عظيم الزلفة ... رمته قسى الفناء بنبال الموت». (۱)

حضرت فرمود: اگر کسی برای ماندن همیشگی در دنیا چاره‌ای می‌اندیشید یا برای برطرف

کردن مرگ راهی می‌یافت، او سلیمان پسر داود علیه السلام بود که بر جن و انس حکومت داشت،

علاوه بر آن که پیامبر بود و مقام و منزلتی بزرگ داشت ... (با این حال) کمان‌های نیستی با

تیرهای مرگ، او را از پای درآوردند (و از جهان هستی رخت بریست).

□ آیه‌ی قبل سیر تکامل خلقت انسان را بیان و خداوند به خود تبریک گفت، این دو آیه نیز

مراحل نهائی تکامل را پس از مرگ بیان می‌کند.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

## پیام‌ها:

- ۱- مرگ نبودن شدن نیست، مرحله‌ای از تکامل است. ﴿ثُمَّ أَنْتُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمِيَّتُونَ﴾
- ۲- مرگ، سرنوشت قطعی انسان است. ﴿ثُمَّ أَنْتُمْ ... لَمِيَّتُونَ﴾ («ان» و حرف «لام» و جمله‌ی اسمیه همه نشانه‌ی تأکید است)
- ۳- آفرینش انسان، هدفدار است. ﴿ثُمَّ أَنْتُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَبْعَثُونَ﴾
- ۴- میان مرگ و رستاخیز فاصله طولانی است. («ثُمَّ» نشان فاصله‌ی طولانی است)

## ﴿ ۱۷ ﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ

و همانا ما بالای سر شما هفت راه (هفت آسمان) آفریدیم، و ما از خلق (و جهان هستی) غافل نبودیم.

## نکته‌ها:

- شاید مراد از کلمه «طرائق»، راه عبور فرشتگان و یا راه و مدار حرکت کرات باشد و ممکن است منظور، هفت آسمان باشد که به یکدیگر راه دارند.
- آیات قبل، آفرینش انسان را طرح کرد و این آیه آفرینش آسمان‌ها را.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند، هم خالق است و هم ناظر. (عالم محضر خداست) ﴿وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾
- ۲- آفریدن و تدبیر جهان هستی، مدیریت دائمی لازم دارد. ﴿مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾

## ﴿ ۱۸ ﴾ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ

## ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ

و از آسمان، آبی به اندازه‌ی (معین) فرو فرستادیم، و آن را در زمین جای دادیم و همانا ما بر بردن آن قادریم.

## پیام‌ها:

- ۱- قدرت خداوند، در دادن و گرفتن نعمت‌ها یکسان است. ﴿انزلنا - ذهاب﴾
- ۲- قطره‌های باران، حساب و کتاب دارد. ﴿بقدر﴾ (باران یک پدیده‌ی طبیعی بی‌هدف و بی‌حساب نیست).
- ۳- ذخیره‌سازی آب از الطاف الهی و نشانه‌ی غافل نبودن از خلق است. ﴿وما کنتا عن الخلق غافلین و انزلنا... فاسکناه﴾
- ۴- خداوند بر پدیده‌ها حاکم است. ﴿و انا علی ذهاب به﴾
- ۵- فکر نکنیم نعمت‌ها همیشگی است. ﴿علی ذهاب به لقادرون﴾

﴿ ۱۹ ﴾ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاقِهٌ كَثِيرَةٌ  
وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

پس به وسیله‌ی آن (آب) برای شما باغ‌هایی از خرما و انگور پدید آوردیم که در آن باغها برای شما میوه‌های فراوانی است و از آنها می‌خورید.

﴿ ۲۰ ﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبِغٍ لِلْأَكْلِيِّنَ  
و (نیز) درختی که از طور سینا می‌روید، (و) روغن و نان خورش برای خورندگان به بار می‌آورد.

## پیام‌ها:

- ۱- آب، سرچشمه‌ی حیات گیاهان و نباتات است. ﴿فأنشأنا لكم به﴾
- ۲- درختان و گیاهان، برای استفاده‌ی انسان‌ها آفریده شده‌اند. (کلمه‌ی «لکم» دو بار در آیه‌ی ۱۹ به کار رفته است).
- ۳- در میان میوه‌ها، بعضی مثل خرما و انگور حساب دیگری دارد. ﴿نخیل و أعناب﴾
- ۴- خداوند حکیم، نیازهای مادی انسان را تأمین کرده است. ﴿نخیل و أعناب﴾
- ۵- تولید خداوند بیش از مصرف انسان‌هاست. ﴿فَوَاقِهٌ كَثِيرَةٌ و منها تأکلون﴾

- ۶- آنچه را که خداوند آفریده، مفید و مبارک است. ﴿فَوَاكُهُ كَثِيرَةٌ - تَأْكُلُونَ - صَبِغٌ﴾ (ولی آن جا که زیان و خرابی است، کار انسان است، چنانکه در آیه ۶۷ سوره نحل می خوانیم: ﴿تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا﴾ شما از آن شراب درست می کنید)
- ۷- هر منطقه ای برای درخت و گیاه مخصوصی مناسب است. ﴿تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ﴾
- ۸- بعضی زمین ها از نظر معنوی و مادی مبارکند. (طور سینا محل نزول وحی و محل رویش درختان زیتون است). ﴿مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ﴾
- ۹- روغن زیتون، یکی از نعمت های الهی است. ﴿تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ﴾

﴿۲۱﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

و همانا برای شما در چهارپایان عبرتی است، از آنچه در شکم آنهاست (شیر) به شما می نوشانیم و برای شما در آنها منافع زیادی است و از (گوشت) آنها می خورید.

﴿۲۲﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

و بر آنها و بر کشتی ها سوار می شوید.

### پیام ها:

- چهارپایان برای انسان آفریده شده اند. (در آیه دوبار کلمه «لکم» آمده است)
- حتی حیوانات را ساده ننگریم. ﴿لَعِبْرَةٌ﴾ استخراج آهن از خاک نیاز به صدها کارشناس، متخصص و ابزار دارد، ولی خداوند شیر را از دل علف بیرون می کشد و با همین قدرت در قیامت انسان ها را از دل خاک بیرون خواهد کشید. ﴿لَعِبْرَةٌ﴾
- شیر، یکی از نعمت هایی است که قرآن به آن توجه دارد. ﴿نُسْقِيكُمْ﴾
- میوه ها و روغن گیاهی، بر غذاهای حیوانی مقدم است. اول نام ﴿نَخِيلَ، أَعْنَابَ،

زیتون ﴿ بعد فرمود: ﴿نَسْقِيكُمْ، تَأْكُلُونَ﴾

۵- شیر، گوشت و سواری، قسمتی از منافع حیوانات است. ﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ﴾ به راه افتادن کارخانجات لبنیات، چرم‌سازی، کنسروسازی، ریسندگی، بافندگی و ایجاد اشتغال و بهره‌دهی برای میلیون‌ها انسان، منافع جنبی حیوانات است.

۶- نقش کشتی را در حمل و نقل ساده ننگریم. (صدها فرمول دست به دست هم می‌دهد تا این امکان فراهم می‌شود) ﴿عَلَى الْفَلَكِ تَحْمِلُونَ﴾

﴿۲۳﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس (به آنها) گفت: ای قوم من! خداوند (یکتا) را بپرستید. جز او هیچ خدایی برای شما نیست، آیا پروا نمی‌کنید؟

### نکته‌ها:

□ خداوند در آیات قبل، از آفرینش انسان و آنچه در زمینه‌ی تأمین منافع مادی اوست سخن گفت و در این آیات به تأمین غذای فکری و عقیدتی او می‌پردازد.

### پیام‌ها:

- ۱- در تبلیغ دین، مردم را با محبت مورد خطاب قرار دهید. ﴿یا قوم﴾
- ۲- دعوت به توحید، اولین وظیفه‌ی انبیاست. (در تبلیغ، به مسائل اصلی توجه کنید) ﴿اعبدوا الله﴾
- ۳- روح پرستش در باطن انسان وجود دارد، انبیا مورد پرستش را بیان می‌کنند. ﴿اعبدوا الله - ما لكم من اله غیره﴾
- ۴- به سراغ غیر خدا رفتن، بی‌پروایی است. ﴿أفلا تتقون﴾

﴿۲۴﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ  
يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي  
آبَائِنَا الْأُولِينَ

پس اشراف قوم او که کافر شدند، گفتند: این نوح جز انسانی همانند شما نیست، او می خواهد بر شما برتری جوید، اگر خداوند می خواست (برای ما پیامبری بفرستد) قطعاً فرشتگانی می فرستاد. ما این (دعوت نوح) را در میان (تاریخ) پدران قبلی خود نشنیده ایم.

### پیام‌ها:

- ۱- اشراف، در خط مقدم مخالفان انبیا بودند. ﴿مَلَأُ﴾
- ۲- حُبِّ ذات، غریزه‌ای عمیق در انسان‌هاست. (انسان از این که کسی بر او برتری یابد نگران است) ﴿يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ﴾
- ۳- تهمت برتری جویی، وسیله‌ی تبلیغات کفار است. ﴿يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ﴾
- ۴- انسان متکبر، برای خدا هم تکلیف معین می‌کند. ﴿لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً﴾
- ۵- کافران کمال را نقص می‌پندارند. ﴿مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ... لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً﴾ (انسان بودن انبیا برای راهنمایی بشر کمال است، اما کفار می‌گفتند: او نباید بشر باشد)
- ۶- در برابر منطق صحیح، به تاریخ و تقلید نیاکان و فرهنگ ملّی خود تکیه نکنید و مدافع وضع موجود نباشید. ﴿مَا سَمِعْنَا بِهَذَا﴾

﴿۲۵﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتِرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۲۶﴾ قَالَ رَبِّ  
أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ

او نیست جز مردی که در او نوعی جنون است، پس تا مدّتی درباره‌ی او صبر کنید. (تا از جنون نجات یابد یا بمیرد یا ما تکلیف خود را با او روشن کنیم).  
نوح گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری فرما.



## پیام‌ها:

- ۱- شنیدن تاریخ گذشتگان، مایه‌ی تسلی آیندگان است. (ای پیامبر! به انبیای قبل نیز نسبت جنون می‌دادند) ﴿رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ﴾
- ۲- غرور و لجاجت، سبب می‌شود که به عاقل‌ترین مردم نسبت جنون داده شود. ﴿رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ﴾
- ۳- سران کفر، دعوت انبیا را یک حادثه روحی و روانی می‌پندارند و می‌گویند: صبر کنید هیجان‌ها و ادعاهای او تمام می‌شود. ﴿فَتَرَبَّصُوا﴾
- ۴- توکل و دعا، از بزرگ‌ترین اهرم‌ها در برابر تهمت‌ها و تحقیرهاست. ﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي﴾
- ۵- درخواست کمک از خداوند برای پیروزی ایمان بر کفر است، نه پیروزی فرد بر فرد. ﴿انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي﴾ نفرمود: «انصُرْنِي عَلَيَّهِمْ»

﴿۲۷﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ

پس ما به نوح وحی کردیم: زیر نظر ما (مطابق دستور و آموزش) و وحی ما کشتی بساز. پس همین که فرمان (قهر) ما آمد و (آب از) تنور جوشید، از تمام حیوانات یک جفت (نر و ماده) و (نیز) اهل خود را در کشتی وارد کن، مگر کسی از آنان را که قبلاً درباره او سخن به میان آمده (و وعده هلاکتش داده شده) و درباره ستمگران با من سخن مگو (و نزد من از آنان شفاعت مکن) که قطعاً آنان غرق خواهند شد.

## نکته‌ها:

□ امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال مردم را پنهانی و آشکارا به توحید دعوت

کرد، تا آنجا که خداوند با جمله‌ی ﴿لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ﴾<sup>(۱)</sup> به او فرمود: جز آنها که به تو ایمان آورده‌اند، دیگر ایمان نخواهند آورد، پس نوح گفت: نسل آنان نیز قابل هدایت نیستند. ﴿وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاَجْرًا كَفَّارًا﴾<sup>(۲)</sup> سپس خداوند فرمان ساختن کشتی را داد.<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- دعای انبیا مستجاب می‌شود. ﴿رَبِّ انصُرْنِي - فَاوْحِينَا﴾
- ۲- صنعت کشتی‌سازی، یک الهام الهی است. ﴿وَحِينَا - اَنْ اِصْنَع﴾
- ۳- تقاضای نصرت الهی، با تلاش انسان منافاتی ندارد. ﴿اِصْنَعِ الْفُلْكَ﴾ انبیا در کنار دعاهاى خود کار هم می‌کردند.
- ۴- افراد تحقیر شده را حمایت کنیم. (مردم تو را مجنون می‌پندارند ولی تو زیر نظر ما هستی) ﴿بَاعِينَنَا﴾
- ۵- اگر در تمام کارها مطابق وحی عمل کنیم، موفق می‌شویم. ﴿اِصْنَعِ الْفُلْكَ بَاعِينَنَا وَوَحِينَا﴾
- ۶- با اراده‌ی خدا از تنور آتش، آب می‌جوشد. ﴿فَارَاتْتَوَّرُ﴾ (شاید فوران آب از تنور، نشانه‌ی زمان حادثه باشد)
- ۷- نگذارید نسل حیوانات منقرض شود. ﴿مَنْ كَلَّ زَوْجِينَ اثْنَيْنِ﴾
- ۸- حتی همسر و فرزند پیامبر هم اگر نااهل باشند، مورد قهر الهی قرار می‌گیرند. ﴿إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ﴾
- ۹- شفاعت، همه‌جا کارساز نیست. ﴿وَلَا تَخَاطِبُنِي﴾ شفاعت انبیا با اذن الهی است.
- ۱۰- مشرک، ظالم است. ﴿فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾
- ۱۱- عاقبت ظلم، هلاکت است. ﴿ظَلَمُوا - مَغْرُقُونَ﴾
- ۱۲- گاهی، آبی که مایه‌ی حیات است، مایه‌ی هلاک می‌شود. ﴿مَغْرُقُونَ﴾

۱. هود، ۳۶. ۲. نوح، ۲۷.

۳. بحار، ج ۱۱، ص ۳۳۱. (این حدیث امام باقر علیه السلام را در مدینه کنار قبر مطهرش نوشتم)

﴿ ۲۸ ﴾ فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِّ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس هنگامی که تو و همراهانت بر کشتی سوار شدید، بگو: حمد و سپاس  
برای خداوندی است که ما را از گروه ستمگران نجات داد.

### پیام‌ها:

- ۱- دوری از ستمگران و نجات از سلطه‌ی آنان، یکی از نعمت‌های الهی است.  
﴿ الحمد لله الذي نجانا ﴾
- ۲- برای هر نعمتی شکری لازم است. ﴿ الحمد لله الذي نجانا ﴾
- ۳- بهترین صیغه‌ی شکر، کلمه مبارکه‌ی ﴿ الحمد لله ﴾ است.
- ۴- به خاطر نابودی و هلاکت دیگران خدا را شکر نکنید، بلکه برای نجات خود  
شکر کنید. ﴿ نجانا ﴾ نفرمود: «اهلکهم»
- ۵- کشتی، وسیله‌ی نجات است ولی نجات کار خداوند است. ﴿ نجانا ﴾

﴿ ۲۹ ﴾ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ  
﴿ ۳۰ ﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

و بگو: پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگان  
البتّه در این داستان نشانه‌هایی است، و همانا ما آزمایش کنندگانیم. (قوم نوح و  
دیگران را بارها آزمایش کردیم تا زمینه‌ی توبه و رشد خود را نشان دهند)

### نکته‌ها:

- در حدیث می‌خوانیم: رسول خدا ﷺ به علی رضی الله عنه فرمود: هرگاه وارد منزلی شدی آیه (۲۹)  
را تلاوت کن تا خداوند از خیر آن جا کامیابت کند و شرّش را از تو دور سازد.<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر کنزالدقائق.

□ حضرت نوح و یاد خدا در هر حال:

- \* در دعوت به توحید. ﴿اعبدوا الله﴾<sup>(۱)</sup>
- \* در ساختن کشتی با الهام خداوند. ﴿اصنع الفلك باعیننا و وحینا﴾<sup>(۲)</sup>
- \* در سوار شدن، با حمد الهی. ﴿فاذا استویت... فقل الحمد لله﴾<sup>(۳)</sup>
- \* در حرکت با نام خدا. ﴿بسم الله مجراها و مُرساها﴾<sup>(۴)</sup>
- \* در توقّف، با دعا به درگاه او. ﴿ربّ أنزلنی﴾<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- ابتدا خداوند را بر نعمت‌های گذشته شکر کنیم، سپس از او نعمت جدیدی بخواهیم. ﴿الحمد لله الذی - ربّ أنزلنی﴾
- ۲- در دعا و مناجات، خداوند را با آن نامی بخوانیم که با نیازمان تناسب داشته باشد. ﴿أنزلنی - خیر المنزلین﴾
- ۳- مطالب تاریخی قرآن، آیه‌ی هدایت و مایه‌ی رشد است. (نه سرگرمی و خاطره) ﴿لآیات﴾
- ۴- سنّت خداوند، بر آزمایش مردم در هر حال است، و ماجرای نوح نیز یکی از نمونه‌های آزمایش الهی است. ﴿مبتلین﴾

﴿ ۳۱ ﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿ ۳۲ ﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا

مِّنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

سپس بعد از قوم نوح، نسل دیگری پدید آوردیم. و در میان آنان (نیز) پیامبری از خودشان فرستادیم که (به آنان گفت:) خدا را بپرستید. جز او معبودی برای شما نیست، پس آیا پروا نمی‌کنید؟

۳. مؤمنون، ۲۸.

۲. مؤمنون، ۲۷.

۱. مؤمنون، ۲۳.

۵. مؤمنون، ۲۹.

۴. هود، ۴۱.

**پیام‌ها:**

- ۱- خداوند برای هر امتی پیامبری فرستاده است. «قَرْنَا آخِرِينَ فَارْسَلْنَا»
- ۲- پیامبر باید انسان باشد. (تا الگوئی عملی و درد آشنا داشته باشند و حجت بر آنان تمام باشد) «منهم»
- ۳- عبادت خدا همراه با نفی شرک ارزش دارد. «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ آلِهِ غَيْرُهُ»
- ۴- گرایش به توحید، به تقوا نیاز دارد. «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ... أَفَلَا تَتَّقُونَ»

﴿ ۳۳ ﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَ  
 أَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا  
 تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

و اشرافی از قوم آن پیامبر که کفر ورزیدند و دیدار قیامت را تکذیب نمودند و آنان را در دنیا در ناز و نعمت قرار داده بودیم (در پاسخ رسولشان، به مردم) گفتند: این، جر انسانی مثل شما نیست، از هر چه می‌خورید می‌خورد، و از هر چه می‌نوشید می‌نوشد.

**پیام‌ها:**

- ۱- دعوت انبیا بر اساس آزاد سازی مردم از سلطه‌ی اشراف و ستمگران است و به همین دلیل، اشراف بیش از دیگران با انبیا مخالفت می‌کنند. «قال الملأ»
- ۲- زندگی انبیا، یک زندگی عادی است. «یأكل - يشرب»
- ۳- اشراف و مرفه‌ان، از مسائل معنوی و علمی غافلند. «یأكل - يشرب» (امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: حسادت آنان سبب گفتن این کلمات شد. <sup>(۱)</sup>)

﴿۳۴﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنْكُمْ إِذَا لَخَّاسِرُونَ ﴿۳۵﴾ أَلَيْدُكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، قطعاً زیانکارید. آیا (آن پیامبر) به شما وعده می‌دهد که وقتی مرید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، شما (از قبر) بیرون آورده می‌شوید!؟

﴿۳۶﴾ هِيَآت هِيَآت لِمَا تُوعَدُونَ

دور است دور، آنچه به شما وعده داده شده است.

### نکته‌ها:

- در قرآن، کلمه‌ی «هیئات» دو بار، آن هم در همین آیه به کار رفته است، که سران کفر وقوع قیامت را بسیار دور می‌پندارند.
- شعارهای کفار:
- \* پیامبر یک انسان معمولی است. ﴿بشراً﴾
- \* بر دیگران امتیازی ندارد. ﴿مثلکم﴾
- \* پیروی از پیامبران خسارت است. ﴿لخاسرون﴾
- \* قیامت و زندگی دوباره، دور از واقعیت است. ﴿هیئات هیئات﴾ (چون انبیا مکرر و همیشه وعده‌ی قیامت می‌دادند، ﴿توعدون﴾ مخالفان هم کلمه «هیئات» را تکرار کردند)
- آنچه ذکر شد، برخی از شعارهای لجوجانه یا فریبنده‌ی کافران و حق ستیزان است. آنان با تبلیغات گسترده، پیروی از پیامبران را خسارت می‌دانند ولی هدفشان این است که مردم را مطیع خود سازند و با شعار آزادی، ملت‌ها را به بردگی کشانند.

﴿ ۳۷ ﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

جز زندگی دنیا چیز دیگری نیست، می میریم و زنده می شویم و ما (هرگز پس از مرگ) برانگیخته نخواهیم شد.

﴿ ۳۸ ﴾ إِنَّهُ هُوَ الْوَالِيُّ الرَّحْمَنُ الَّذِي كَفَرْنَا بِهِ حَقْبًا وَسَاءَ آلُ الْعَادِيِّينَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

او جز مردی که بر خدا دروغ می بندد نیست، و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد.

### پیام‌ها:

- ۱- افراد مغرور جز راه خود، راه دیگری را تصور نمی‌کنند. ﴿ان هی﴾
- ۲- آخوریین، آخرین نمی‌شود. ﴿الآ حیاتنا الدنيا... و ما نحن بمبعوثین﴾ (دنیاگرایان، کوتاه‌فکران جامعه هستند)
- ۳- کفار، خدا را قبول داشتند ولی معاد و نبوت را نمی‌پذیرفتند. ﴿افتری علی‌الله﴾
- ۴- اهل کفر، با شعار «حفظ حریم و قداست الهی» اولیا و وعده‌های الهی را رد می‌کنند. ﴿افتری علی‌الله﴾
- ۵- گاهی جامعه به قدری سقوط می‌کند که حامیان واقعی دین به عنوان دروغگو و کافران مغرور به عنوان حامی حریم خدا معرفی می‌شوند. ﴿افتری علی‌الله﴾

﴿ ۳۹ ﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي

(پیامبرشان) گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب‌های آنان یاری فرما.

﴿ ۴۰ ﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿ ۴۱ ﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ

بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

(خداوند) فرمود: قطعاً به زودی پشیمان خواهند شد. پس (قهر خدا آمد و) بانگ مرگبار که سزاوارش بودند آنان را فراگرفت، و آنان را همچون خاشاکی که بر آب افتد قرار دادیم، پس دور باد گروه ستمگر (از رحمت خدا).

## ﴿۴۲﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ

آن گاه بعد از (هلاکت) این گروه، نسل‌های دیگری پدید آوردیم.

## پیام‌ها:

- ۱- تکیه‌گاه انبیا خداست. ﴿رَبِّ﴾
- ۲- کلمه‌ی «رَبِّ» بهترین کلمه برای دعاست. بعد از کلمه‌ی «اللَّهِ» بیشترین کلمه در قرآن کلمه‌ی «رَبِّ» است و معمولاً در همه‌ی دعاها به کار رفته است.
- ۳- کفار و مجرمان به زودی پشیمان خواهند شد. (وجدان‌ها، روزی بیدار خواهد شد.) ﴿نَادِمِينَ﴾
- ۴- بیان تاریخ و هلاکت اقوام پیشین، برای پیامبر اسلام ﷺ مایه‌ی آرامش و برای کفار مکّه و سیله‌ی تهدید است. ﴿اخذتهم الصيحة...﴾
- ۵- دعای انبیا مستجاب است. ﴿رَبِّ - فاخذتهم﴾
- ۶- قهر خدا بر اساس عدل است. ﴿الصيحة بالحق﴾
- ۷- مخالفان انبیا، هم شکنجه‌ی روحی دارند، ﴿نَادِمِينَ﴾ هم شکنجه‌ی جسمی، ﴿غناء﴾ و هم در قیامت گرفتارند.
- ۸- قهر خدا شکننده است. ﴿غناء﴾
- ۹- نفرین بر ستمگران جایز است. ﴿فبُعْدًا﴾
- ۱۰- سنّت خداوند، پس از انقراض یک امت، ایجاد امتی دیگر است. ﴿ثمّ انشأنا﴾ (تحوّلات تاریخی، تحت حاکمیت خداوند است)

## ﴿۴۳﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ

هیچ امتی از اجل (وقت انقراض) خود، نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند.

## پیام‌ها:

- ۱- هر جامعه و امتی، مهلتی خاص و زمان‌بندی حکیمانه‌ای دارد. ﴿ما تسبق...﴾



- ۲- از تأخیر عذاب الهی مغرور نشوید. ﴿ما تسبق ...﴾
- ۳- برنامه‌های الهی با هیاهوی افراد لغو نمی‌شود و نظم الهی بر تحولات تاریخی حاکم است. ﴿ما تسبق ...﴾
- ۴- تاریخ، سنت‌های ثابتی دارد. ﴿ما تسبق ...﴾

﴿ ۴۴ ﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا

بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَحَادِيثَ فَبِعَدَا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

سپس پیامبرانمان را پی در پی (برای هدایت آن امت‌ها) فرستادیم، هر بار که پیامبر هر امتی به سراغ قومش آمد، مردم او را تکذیب کردند، پس ما نیز آن گروه را هلاک کردیم و گروه دیگری را دنبال آنان آوردیم، و ما آنان را زباند مردم قرار دادیم (تا عبرت گیرند) پس قومی که ایمان نمی‌آوردند دور (از رحمت خدا) باد.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «احادیث» جمع «أحدوثة» به داستان‌های شگفتی گفته می‌شود که با آب و تاب نقل و با علاقه شنیده می‌شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- سنت خداوند بر فرستادن انبیا برای امت‌هاست. ﴿رسلنا تترًا﴾ (هر اجتماعی رهبر می‌خواهد. فکر و علم به تنهایی برای بشر کافی نیست، بلکه باید اموری را از طریق وحی بدست آورد)
- ۲- تمام انبیا مورد تکذیب قرار می‌گرفتند. ﴿کلّ ما﴾
- ۳- هر امتی برای خود رسولی داشتند. ﴿کلّ ما جاء أمة رسولها﴾
- ۴- نتیجه‌ی تکذیب حق، هلاکت است. ﴿وجعلناهم احادیث﴾ (از گردنکشان و طاغوتیان، تاریخی بیش نمی‌ماند)

- ۵- نفرین کفار جایز است. ﴿بُعْدًا﴾ (کلمه «بُعْدًا» مصدری است که همیشه به جای فعل بکار می‌رود. بنابراین «بُعْدًا»، یعنی «بعدوا بُعْدًا»)
- ۶- تحولات تاریخی با اراده اوست. و هلاک امت‌های سرکش، نمودی از لعن و نفرین اوست. ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا﴾

﴿ ۴۵ ﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ

﴿ ۴۶ ﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و دلیلی روشن فرستادیم. به سوی فرعون و اشراف قوم او، ولی تکبر ورزیدند و آنان مردمی برتری‌جوی و گردنکش بودند.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «سلطان» مرادف حجت است، زیرا انسان با داشتن منطق، استدلال و حجت علمی و عقلی، بر قلوب مردم مسلط و پیروز می‌شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- تبلیغ، گاهی باید به صورت چند نفره و اعزام هیأت باشد. ﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَ أَخَاهُ﴾
- ۲- مبلغ دین باید از پشتیبانی علمی برخوردار باشد. ﴿سُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾
- ۳- گاهی برای اصلاح مردم و نظام اجتماعی، اول باید به سراغ افراد مطرح و شاخص جامعه رفت. ﴿إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ﴾
- ۴- اطرافیان طاغوت‌ها، در قدرت آنان نقش مهمی دارند. ﴿مَلَئِهِ﴾

﴿ ۴۷ ﴾ فَقَالُوا أَنْتُمْ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ

پس (در پاسخ موسی و هارون) گفتند: آیا ما به دو انسان مانند خودمان ایمان آوریم در حالی که قوم موسی و هارون برده‌ی ما بودند؟

﴿ ۴۸ ﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿ ۴۹ ﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى

الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

پس آن دو پیامبر را تکذیب کردند، و از هلاک شدگان گشتند. و همانا ما به موسی کتاب (تورات) دادیم، شاید (مردم به واسطه آن) هدایت شوند.

پیام‌ها:

- ۱- موسی و هارون، از نژاد بنی اسرائیل بودند. ﴿قومها لنا عابدون﴾ (با توجه به اینکه بنی اسرائیل برده‌ی فرعونیان قرار گرفته بودند)
- ۲- متکبران به جای مراعات منطق و معجزه، به جایگاه اجتماعی افراد نظر دارند. ﴿سلطان مبین... قومها لنا عابدون﴾
- ۳- نژادپرستی عامل استکبار است. ﴿قومها لنا عابدون﴾ (فرعونیان نژاد خود را برتر از بنی اسرائیل می‌پنداشتند)
- ۴- منطق انبیا، معجزه و استدلال و منطق طاغوت، استضعاف و دربند کشیدن ملت است. ﴿قومها لنا عابدون﴾
- ۵- نتیجه‌ی تکذیب حق، هلاکت است. ﴿کذبوها فکانوا من المهلکین﴾

﴿ ۵۰ ﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ

وَمَعِينٍ

و ما (عیسی) فرزند مریم و مادرش را معجزه قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی مرتفع که دارای آرامش و امنیت و آب گوارا بود جای دادیم.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «مَعین» به آبی گفته می‌شود که روی زمین جاری باشد.
- خداوند در این سوره از عیسی و مریم به عنوان یک آیه یاد کرده است، ولی درباره‌ی شب و روز می‌فرماید: ﴿جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ﴾<sup>(۱)</sup> شب و روز دو آیه هستند و این به خاطر آن است که تولّد عیسی بدون پدر، همان زایمان مریم بدون شوهر است.
- در اینکه منطقه بلندی که آب جاری داشته و خداوند عیسی و مادرش را در آنجا جای داده، کجاست؟! دو مورد بیان شده است: الف: مراد از «رَبْوَة» کوفه و مراد از «ذات قرار» مسجد کوفه و مراد از «مَعین» آب فرات است که در کوفه دائماً جاری می‌باشد.<sup>(۲)</sup>
- ب: مراد دمشق است که از بهترین مناطق شام است.<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- پدیده‌های مهم و حوادث عجیب را وسیله‌ی شناخت خدا و نشانه‌ی قدرت غیبی او بدانید. ﴿آیة﴾
- ۲- آب و امنیت، از مزایای ضروری مسکن و زندگی است. ﴿ذات قرار و مَعین﴾

﴿ ۵۱ ﴾ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه (و پسندیده) بخورید و کار نیکو انجام دهید، همانا من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم.

## نکته‌ها:

- در قرآن کریم، در کنار ﴿كُلُوا﴾ دستورات دیگری نیز ذکر شده است مانند: الف: ﴿كُلُوا... واشكروا﴾<sup>(۴)</sup> بخورید و خدا را شکر کنید.

۱. اسراء، ۱۲. ۲. بحار، ج ۱۴، ص ۲۳۹. ۳. تفسیر در المنثور. ۴. سبأ، ۱۵.

ب: ﴿كُلُوا... واطعموا﴾<sup>(۱)</sup> بخورید و اطعام کنید.

ج: ﴿كُلُوا... ولا تسرفوا﴾<sup>(۲)</sup> بخورید و اسراف نکنید.

□ امام صادق علیه السلام ذیل این آیه می فرماید: مراد از طیب، حلال بودن است.<sup>(۳)</sup>

□ در حدیث می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ عِبَادَةَ مَنْ فِي جُوفِهِ لُقْمَةٌ مِنْ حَرَامٍ»، کسی که یک لقمه

مال حرام خورده باشد، خداوند عبادت او را نمی پذیرد.<sup>(۴)</sup>

□ در حدیث آمده است: «العبادة مع اكل الحرام كالبناء على الرَّمْل و قيل على الماء»، عبادت با

لقمه حرام مثل ساختمان سازی روی شن یا آب است.<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

۱- انبیا نیز از موادّ غذایی و مواهب طبیعی بهره مند می شوند. (توقع نابجا از انبیا

ممنوع) ﴿كُلُوا﴾

۲- برای دعوت مردم به حق، اول به فکر زندگی مادی آنان باشیم. ﴿كُلُوا... واعملوا﴾

۳- تمام ادیان الهی با رهبانیت، انزوا و ریاضت مخالفند. ﴿كُلُوا﴾ (شاید فرمان

بخورید بعد از نام عیسی برای جلوگیری از رهبانیتی باشد که در مسیحیت

مطرح است)

۴- در آنچه می خورید، دو اصل مهم را فراموش نکنید: الف: حلال بودن.

ب: طیب و پاکیزه بودن. ﴿كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾

۵- غذا خوردن نیز باید هدفدار باشد، نه بر اساس هوس. ﴿كُلُوا - واعملوا﴾

۶- عفت در شکم و تقوا در عمل، مقارن هستند. ﴿كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ واعملوا صالحا﴾

۷- توفیق عمل صالح، در سایه‌ی تغذیه حلال و طیب است. ﴿الطَّيِّبَاتِ - صالحا﴾

۸- تغذیه‌ی طیب و سالم و عمل صالح، مورد توجه تمام ادیان الهی است. ﴿يا ايها

الرسل - الطَّيِّبَاتِ - صالحا﴾

۳. بحار، ج ۱۱، ص ۵۸.

۲. اعراف، ۳۱.

۱. حج، ۲۸.

۵. بحار، ج ۸۱، ص ۲۵۸.

۴. تفسیر مراغی.

﴿۵۲﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

و البته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید.

﴿۵۳﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

اما مردم کارشان را در میان خود به پراکندگی کشانند، هر گروهی به راهی رفتند؛ و هر حزب و دسته‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند.

#### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «زُبُر» جمع «زُبْره» (بر وزن لقمه) به معنای قسمتی از موی پشت سر حیوان است که آن را جمع و از بقیه جدا می‌کنند؛ سپس این واژه به هر چیزی که مجزای از دیگری است گفته شده است.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- در جهان بینی دینی و از دیدگاه الهی تمام امت‌ها در حقیقت یک امت هستند، ﴿أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ زیرا:

\* اصول دعوت همه‌ی پیامبران الهی یکی است.

\* نیازهای فطری و روحی و جسمی مردم یکی است.

\* خالق و پروردگار همه یکی است.

۲- تقوا و حفظ حریم، شایسته‌ی مقام ربوبی است. ﴿وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾

۳- ایجاد تفرقه، بلای بزرگی است که سابقه‌ای طولانی دارد. ﴿تَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾

۴- تفرقه‌اندازی بی تقوایی است. ﴿فَاتَّقُونِ فَتَقَطَّعُوا...﴾

۵- اساس تفرقه، خودخواهی انسان‌هاست. ﴿كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾

﴿ ۵۴ ﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿ ۵۵ ﴾ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ  
 مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ ﴿ ۵۶ ﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ

پس آنان را تا مدتی (که مرگشان فرا رسد یا به عذاب خدا مبتلا شوند) در  
 ورطه‌ی جهل و غفلت رها کن. آیا گمان می‌کنند که آنچه از مال و فرزند به  
 آنان مدد می‌کنیم (برای این است که) شتاب می‌کنیم که خیرهایی به آنان  
 برسانیم؟ (هرگز چنین نیست) بلکه آنان نمی‌فهمند (که مال و فرزند  
 وسیله‌ی امتحان آنهاست).

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «غمره» به معنای غرقاب و مراد در اینجا غرق شدن اهل مکه در جمود و تعصب  
 بت‌پرستی است.

### پیام‌ها:

- ۱- بدترین نوع گمراهی آن است که خدا انسان را به حال خود واگذارد. ﴿فذرهم﴾
- ۲- اختلاف و تفرقه، ورطه‌ی هلاکت و مایه‌ی قهر و غضب خدا و رسول است.  
 ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ... فذرهم فی غمراتهم﴾
- ۳- گودال بدبختی انسان را خود او حفر می‌کند. ﴿غمرتهم﴾
- ۴- منحرفان تفرقه‌جو، مهلت زیادی ندارند و قهر الهی در انتظارشان است. ﴿حتى حین﴾
- ۵- مرفهان ثروتمند، تحلیل ناروا دارند. رفاه، امکانات و فرزند پسر، سبب فریفته  
 شدن آنان به خود و احساس محبوبیت نزد خدا شده است. ﴿یحسبون...﴾
- ۶- ارزیابی تنها بر مبنای مال و فرزند، نشانه‌ی بی‌شعوری است. ﴿بل لا يشعرون﴾

﴿۵۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿۵۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۹﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

همانا کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، آنان که به آیات پروردگارشان ایمان دارند. و به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند،

#### نکته‌ها:

□ «خشیت» ترسی است که برخاسته از علم و شناخت باشد و «اشفاق» ترسی است که با محبت و احترام آمیخته باشد. خشیت، بیشتر جنبه‌ی قلبی دارد و اشفاق جنبه‌ی عملی. آیه می‌فرماید: مؤمنان و سبقت‌گیرندگان در خیرات، کسانی هستند که در دل آنان ترس آمیخته با عظمت خدا جای کرده است و در عمل، حریم خدا را حفظ می‌کنند و حیا دارند.

#### پیام‌ها:

- ۱- ترس از روی آگاهی و توجه به عظمت خداوند، مایه‌ی رشد است. ﴿مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾
- ۲- ایمان آوردن به هر قانونی که خداوند می‌فرستد و دور شدن از انواع شرک‌ها، وظیفه‌ی دائمی ماست. (کلمه‌ی «یؤمنون» و «لایشرون» فعل مضارع و نشانه‌ی دوام و استمرار است)

﴿۶۰﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمَ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

و کسانی که (اموال خود را در راه خدا) می‌دهند آنچه را دادند، در حالی که دل‌هایشان ترسان است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می‌گردند.

#### نکته‌ها:

- «وَجِلٌ» به معنای اضطراب و نگرانی است.
- تکامل معنوی انسان در چند مرحله صورت می‌پذیرد که در این آیات مطرح شده است: مرحله‌ی اول؛ علم و شناختی که مایه‌ی خشیت شود. ﴿مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ﴾



مرحله‌ی دوم؛ ایمان عمیق و دائمی به آنچه درک کرده است. ﴿يُؤْمِنُونَ﴾  
 مرحله‌ی سوم؛ دوری از انواع شرک‌ها، مخفی و آشکار. ﴿لَا يَشْرِكُونَ﴾  
 مرحله‌ی چهارم؛ انفاق از آنچه خدا عطا نموده است. ﴿يُؤْتُونَ...﴾  
 مرحله‌ی پنجم؛ مغرور نشدن و دغدغه داشتن که مبدا کارم ناقص یا عملم مردود یا  
 وظیفه‌ام چیزی دیگری باشد و در قیامت پاسخ‌گو نباشم. ﴿قُلُوبِهِمْ وَجِلَةٌ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- به انفاق خود مغرور نشویم. ﴿يُؤْتُونَ... و قلوبهم وجلة﴾
- ۲- ترس مؤمن از خداوند به خاطر حضور او در محضر پروردگار در روز قیامت است. ﴿وَجِلَةٌ أَنَّهُم إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾

### ﴿۶۱﴾ أَوْلَاتِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ

چنین کسانی، در خیرات شتاب می‌ورزند و همانان هستند که در (رسیدن  
 به) خیرات از یکدیگر پیشی می‌گیرند.

### نکته‌ها:

□ در آیه ۵۶ بیان شد که برخی از مردم تنها داشتن مال و فرزند را مایه‌ی سعادت و نشانه‌ی  
 سرعت در خیر می‌دانند، اما این آیه می‌فرماید: سرعت در خیر، علم و ایمان و اخلاص و  
 انفاق همراه با خوف و خشیت است، نه آنچه آنان می‌پندارند.

### پیام‌ها:

- ۱- ترس از خداوند و قیامت، سبب شتاب در کارهای خیر است. ﴿مَنْ خَشِيَ رَبَّهُمْ  
 مشفقون... اولئک...﴾
- ۲- نشانه‌ی ایمان واقعی، سرعت دائمی در کارهای خیر است. («یسارعون» فعل  
 مضارع، رمز استمرار است)
- ۳- سرعت و سبقت در کار خیر، یک ارزش است. ﴿يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ﴾

﴿۶۲﴾ وَلَا نَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ

لَا يُظْلَمُونَ

و ما هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی‌کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید (و بر کار مردم گواه است) و به آنان هیچ ستمی نمی‌شود.

#### نکته‌ها:

□ در فقه قاعده‌ای به نام قاعده‌ی «نفی عُسر و حَرَج» وجود دارد، که مبنای آن همین آیه است. یعنی هرگاه تکلیفی موجب سختی غیر قابل تحمل گردید، آن تکلیف ساقط می‌شود.

#### پیام‌ها:

- ۱- گرچه سبقت و سرعت در کارهای خیر ارزش دارد، ولی افراط ممنوع است.  
﴿الَّا وُسْعَهَا﴾
- ۲- تکلیف همه‌ی انسان‌ها یکسان نیست. هر کس به مقدار توان جسمی، فکری و مالیش مکلف است و خداوند تکلیف غنی را از فقیر نمی‌خواهد. ﴿لَا نَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾
- ۳- در جهان بینی الهی، هیچ کس گرفتار عقده و احساس حقارت نمی‌شود، چون بیش از توانش تکلیفی ندارد. ﴿الَّا وُسْعَهَا﴾ (آری هر کس توانی دارد و وظیفه‌ای، پس باید آرامش داشته باشیم)
- ۴- نظام آفرینش، حساب و کتاب دارد. ﴿وَلَدَيْنَا كِتَابٌ﴾
- ۵- برخی از شرایط مدیریت در این آیه ذکر شده است، از جمله:  
الف: آشنایی به توانایی افراد و واگذاری کار به مقدار توان آنان. ﴿وُسْعَهَا﴾  
ب: نظارت دقیق بر کار و وظایف آنان. ﴿كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ﴾  
ج: عدالت در تنبیه یا تشویق آنان. ﴿وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

﴿ ۶۳ ﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ

بلکه دل‌های آنان از این (کتاب) در غفلت و بی‌خبری است و علاوه بر این کارهایی (ناروا) دارند که انجام می‌دهند.

**نکته‌ها:**

- کلمه‌ی «بل» در آغاز کلام، برای انتقال مطلب است. در آیات قبل سخن از نیکان بود، در این آیه سخن از کفار است که عملشان غیر از عمل آنان است.
- کلمه‌ی «غمرة» به معنای غرقاب و آبی است که تمام انسان را فراگیرد. گویا غفلت همه‌ی وجود آنان را فراگرفته است.

**پیام‌ها:**

- ۱- ابتدا روح منحرف می‌شود، سپس رفتار تغییر می‌کند. ﴿قلوبهم - لهم اعمال﴾
- ۲- بدتر از رفتار زشت، اصرار و تکرار آن است. ﴿لهم اعمال - هم لها عاملون﴾
- ۳- انسان، ابتدا دست به کار خلاف می‌زند، سپس کار خلاف برای او عادت می‌شود و او را به خود جذب می‌کند، یعنی در مسیر عمل و ارتکاب آن قرار می‌گیرد و پس از ارتکاب گناه، اسیر آن می‌شود. ﴿لهم اعمال - هم لها عاملون﴾

﴿ ۶۴ ﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْتَرُونَ

(جهل و انحراف و کارهای ناپسند آنان همچنان ادامه دارد) تا زمانی که مرفهان (و خوشگذرانان مغرور) را به قهر خود گرفتار سازیم، در این هنگام است که ناله سر می‌دهند.

﴿ ۶۵ ﴾ لَا تَجْتَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تَنْصُرُونَ

(اما به آنان خطاب می‌شود:) امروز ناله نکنید، قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد.

## نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «يَجْتَرُونَ» از «جوار» به معنای زوزه‌ی سگ و شغال و گرگ هنگام صدمه دیدن است و تشبیه ناله‌ی مرقه‌هان غافل، به زوزه‌ی سگ، نشانه‌ی تحقیر و ذلتی است که در برابر بدمستی‌های دنیوی داشته‌اند.

## پیام‌ها:

- ۱- برای گروه مرفه و مغرور، جز عذاب الهی، وسیله‌ی دیگری برای هشجاری نیست. ﴿حَقُّ إِذَا...﴾
- ۲- پایان ناز و نعمت‌های غافلانه، ناله‌های عاجزانه خواهد بود. ﴿يَجْتَرُونَ﴾
- در پس هر خنده آخرگريه‌ای است      مرد آخرین، مبارک بنده‌ای است
- ۳- روز قیامت، روز کیفر است نه التماس. ﴿لَا تَجْتَرُوا الْيَوْمَ﴾
- ۴- کسانی که با مال و امکانات خود، مردم را یاری نکردند، در قیامت یاری نمی‌شوند. ﴿لَا تَنْصُرُونَ﴾

﴿ ۶۶ ﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ

﴿ ۶۷ ﴾ مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ

همانا آیات من به طور مداوم بر شما تلاوت می‌شد ولی شما اعراض کرده، به عقب باز می‌گشتید. در حالی که نسبت به آن (پیامبر و قرآن) تکبر می‌ورزیدید و شب‌ها تا دیروقت بدگویی می‌کردید.

## نکته‌ها:

- «نکوص» به معنای بازگشت به عقب است و «علی‌أعقابکم» تأکید آن است.
- «سامر» از «سمر» به معنای گفت‌وگوی شبانه است.
- «هجر» به معنای جدایی و «هجر» ناسزا و فحش را گویند که سبب جدایی است.

## پیام‌ها:

- ۱- ارتجاع و اعراض از حق، از اوصاف مرفهان و مستکبران است. ﴿فکنتم علی اعقابکم تنکصون﴾
- ۲- بی‌اعتنایی به انبیا، نشانه‌ی رشد و ترقی نیست، بلکه عامل سقوط و عقب‌گرد است. دستورات و قوانین الهی، عامل رسیدن به تکامل و اعراض از آنها مایه‌ی سقوط است. ﴿اعقابکم تنکصون﴾
- ۳- بدتر از عقب‌گرد و اعراض از حق، آن است که هدف از این عمل، استکبار باشد. ﴿مستکبرین به﴾
- ۴- کسی که روز منطبق ندارد، شب یاوه‌سرایبی می‌کند. ﴿سامراً تهجرون﴾
- ۵- کسی که حرف حساب ندارد، فحش می‌دهد. ﴿تهجرون﴾

﴿۶۸﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ

آیا آنها در این گفتار (قرآن) نیندیشیدند، یا مطالبی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟ (لذا قبول حرف تازه برای آنان سخت است).

﴿۶۹﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿۷۰﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ

بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

یا این که پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند) پس برای همین او را انکار می‌کنند؟ یا می‌گویند: او جنون دارد؟ (چنین نیست) بلکه او حق را برای آنان آورده اما بیشترشان از پذیرش حق کراهت دارند.

## پیام‌ها:

- ۱- نخستین عامل بدبختی مردم، تعطیل کردن اندیشه و تفکر است. ﴿أفلم يدبّروا﴾
- ۲- قرآن، کتاب تدبّر و اندیشه است. (نه فقط تلاوت و تجوید و... و هرکس در آن تدبّر کند، حقایق آن را می‌فهمد) ﴿أفلم يدبّروا القول﴾

- ۳- خداوند در تمام دوران‌ها ندای خود را به مردم رسانده و اساس ادیان آسمانی یکی است. ﴿ام جائهم ما لم یأت﴾
- ۴- در تبلیغ و دعوت، تمام راه‌های بهانه‌جویی را برای مخالفان حق مسدود کنید. ﴿ام جائهم ما لم یأت﴾، ﴿ام لم یعرفوا﴾
- ۵- پیامبر باید در میان مردم (به خوبی) شناخته شده باشد تا بهانه‌ای برای انکار نباشد. ﴿ام لم یعرفوا رسولهم﴾
- ۶- گرچه انسان در برابر سخن تازه عکس‌العمل نشان می‌دهد، ولی نزول وحی تازگی ندارد. ﴿ام جائهم ما لم یأت آبائهم الاولین﴾
- ۷- دشمنان دین، برای حفظ مرام خود، شخصیت مردان خدا را خدشه دار می‌کنند. ﴿ام یقولون به جنة﴾
- ۸- حق باید مطرح شود، اگر چه اکثریت ناراحت شوند. ﴿بل جاءهم بالحق و اکثرهم للحق کارهون﴾
- ۹- بعضی کفار، فطرت سالم دارند و حق را می‌پذیرند. ﴿اکثرهم للحق کارهون﴾

﴿۷۱﴾ وَلَوْ أَتَبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ

و اگر حق، از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، قطعاً آسمان‌ها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباہ می‌شدند، ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه‌ی یاد (وشرف و حیثیت) آنهاست، اما آنان از این یاد رویگردانند.

#### نکته‌ها:

- اگر حق، تابع هوس‌های مردم باشد، نظام هستی فاسد و تباہ می‌شود، زیرا:
۱. هوس‌های مردم - حتی هوس‌های یک نفر - در زمان‌های مختلف، متضاد است.
  ۲. هوس‌های مردم، مفسده دارد.
  ۳. خواسته‌های مردم، یک‌بعدی است و به ابعاد دیگر و آثار دور و نزدیک توجه ندارد.

## پیام‌ها:

- ۱- حقّ، هرگز نباید تابع تمایلات و خواسته‌های مردم باشد. ﴿لَوْ اتَّبِعَ﴾
- ۲- اشراف کافر، دوست دارند که دین طبق میل آنان باشد. ﴿لَوْ اتَّبِعَ الْحَقَّ﴾
- ۳- حقّ پرستی با هوا پرستی تضاد دارد. ﴿لِفَسَدَتِ﴾
- ۴- تمایلات و هوس‌های بشر، جهان را فاسد می‌کند. ﴿لِفَسَدَتِ﴾
- ۵- نظم موجود در جهان، نشانه‌ی حَقّانیت و حکمت خداوند یکتاست. ﴿وَلَوْ اتَّبِعَ الْحَقَّ... لِفَسَدَتِ﴾
- ۶- در آسمان‌ها، موجودات زنده و با شعور وجود دارد. ﴿مَنْ فِيهِنَّ﴾
- ۷- قرآن وسیله‌ی تذکّر است. ﴿بِذِكْرِهِمْ﴾

﴿۷۲﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

آیا تو از آنها (در برابر دعوت) مزدی خواسته‌ای؟ با این که پاداش دائمی پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است.

﴿۷۳﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۷۴﴾ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ

و قطعاً تو مردم را به راه راست دعوت می‌کنی. و همانا کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از راه راست منحرفند.

## نکته‌ها:

- «خَرَجَ» چیزی که مصرف می‌شود، ولی «خَرَجَ» بودجه مستمری است که تعیین می‌شود.
- «نَكَبَ» به معنای انحراف و «نَكَبَتِ»، یعنی دنیا به او پشت کرده و بدبخت شده است.<sup>(۱)</sup>
- روزی الهی چون خیر است، «خَرَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ» چند مزیت دارد: بی‌منت، دائمی، زیاد و

۱. التحقیق فی کلمات القرآن.

مبارک است.

□ در حدیث می‌خوانیم: کسانی که به جای اهل بیت پیامبر ﷺ سراغ دیگران بروند و رهبری آنان را بپذیرند، از راه راست منحرفند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در تبلیغ دین، نباید از مردم پولی طلب کرد؛ اگر خود آنها دادند حساب جدایی دارد. ﴿ام تسئلهم﴾
- ۲- مردم در برابر پول خواستن مبلغ حساسیت دارند. ﴿ام تسئلهم خرجا﴾
- ۳- مردم یک بار خرجی می‌دهند، ولی خداوند همیشه روزی می‌دهد. ﴿خرج - خراج﴾ (با توجه به تفاوتی که میان «خرج» و «خراج» بیان شد)
- ۴- روزی دادن به صورت مستمر، از شئون پروردگار است. ﴿فخراج ربك﴾
- ۵- خداوند ضامن روزی مبلغان دین است. ﴿فخراج ربك﴾
- ۶- واسطه‌های رزق، شما را نفرینند. ﴿وهو خیرالرازقین﴾
- ۷- پیامبر، منادی راه درست است. ﴿انك لتدعوهم الى صراط مستقیم﴾
- ۸- ایمان به معاد، عامل پایداری در راه راست و عدم‌ایمان، عامل انحراف است. ﴿لا يؤمنون - لناکبون﴾

﴿۷۵﴾ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّ لَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ

### يَعْمَهُونَ

و (بر فرض) اگر به آنها رحم کنیم و (رنج و عذاب و) بدبختی‌های آنان را برطرف سازیم (به جای هوشیاری و شکر) در طغیانشان کوردلانه اصرار می‌ورزند.

۱. تفسیر نورالثقلین.



**نکته‌ها:**

□ در تفسیر «کنزالدقائق» و «روح البیان» می‌خوانیم: زمانی در مکه قحطی شد، ابوسفیان از پیامبر اکرم ﷺ درخواست دعا کرد، حضرت دست به دعا برداشت و قحطی برطرف گردید، سپس آیه‌ی فوق نازل شد.

□ طغیان در افراد مختلف، تفاوت دارد: (۱)

- \* طغیان عالمان، در علم است که به وسیله‌ی تفاخر و مباهات جلوه می‌کند.
- \* طغیان ثروتمندان در مال است که به وسیله‌ی بخل خود را نشان می‌دهد.
- \* طغیان صالحان در عمل نیک است که به وسیله‌ی ریا و سُمعه (خودنمایی و شهرت‌طلبی) نمایان می‌شود.
- \* طغیان هواپرستان در پیروی از شهوت‌ها جلوه می‌کند.

**پیام‌ها:**

- ۱- رفاه و آسایش، جلوه‌ی رحمت الهی است. ﴿رَحْمَانِهِمْ وَكَشَفْنَا﴾
- ۲- خدمت و محبت به افراد بی‌شخصیت، بی‌ثمر است. ﴿رَحْمَانًا - لِلجَّوَاءِ﴾
- ۳- انسان‌های بی‌ایمان، از فرصت‌ها و مهلت‌ها سوء استفاده می‌کنند. ﴿لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ... لِلجَّوَاءِ فِي طَغْيَانِهِمْ﴾
- ۴- طغیانگری، انسان را سرگردان می‌کند. ﴿فِي طَغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾

﴿۷۶﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاَهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ

و همانا آنان را به عذاب گرفتار کردیم ولی آنان در برابر پروردگارشان نه تواضع کردند و نه تضرع.

**نکته‌ها:**

□ در حدیث می‌خوانیم: «استکانت» خضوع است و «تضرع» دست‌ها را به دعا بلند کردن. (۲)

۱. تفسیر روح البیان. ۲. تفسیر نورالثقلین.

□ در آیه‌ی قبل، درباره‌ی کافران لجوج فرمود: اگر به آنان رحم کنیم، لجاجت می‌کنند و به راه نمی‌آیند؛ در این آیه می‌فرماید: اگر آنان را با قهر خود بگیریم و عذابشان کنیم، باز هم به راه نمی‌آیند. شاعر می‌گوید:

بر سیه دل چه سود خواندن و عظم  
نرود میخ آهنین بر سنگ

### پیام‌ها:

- ۱- هدف از قهر الهی در دنیا، بیداری غافلان است. ﴿اخذناهم ... فما استکانوا﴾
  - ۲- گاهی کافران و گمراهان، در دنیا نیز به کیفرهای الهی مبتلا می‌شوند. ﴿اخذناهم﴾
  - ۳- کافران لجوج، نه با رحمت خداوند هدایت می‌شوند و نه با قهر و عذاب الهی. ﴿فما استکانوا﴾
  - ۴- بدترین نوع تکبر، استکبار در برابر ربّ است. ﴿فما استکانوا لربهم﴾
- (انسان سنگدل به جایی می‌رسد که در برابر خدای بزرگ، هرگز خضوع و تضرّع و ناله نمی‌کند)

﴿ ۷۷ ﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

(نه رحمت در آنان اثر کرد و نه مؤاخذه، ما هم این سنگدلان را رها می‌کنیم) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم (و چنان گرفتار شوند که) ناگهان در آن (عذاب) مایوس شوند.

### نکته‌ها:

□ «مُبلِس» از ماده‌ی «إِبلَس» به معنای اندوهی است که پس از وقوع حادثه‌ی تلخ و شدید به انسان دست می‌دهد و غالباً او را به سکوت و حیرت و یأس می‌کشاند.<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر نمونه.

## پیام‌ها:

- ۱- درهای عذاب، ابتدا به روی ما بسته است اما سرسختی و لجاجت ما در برابر حق، سبب می‌شود که خداوند آن درها را باز کند. ﴿فَتَحْنَا﴾
- ۲- خداوند در مراحل تربیت، اصولی را اجرا می‌کند:  
 اول: با رحمت و مهربانی رفتار می‌کند. ﴿وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّنْ ضُرٍّ لَّجَوَّا﴾  
 دوم: با عذاب تنبیهی: ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا﴾  
 سوم: با عذاب نهایی که مایه‌ی بیچارگی و درماندگی است. ﴿عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾
- ۳- کسی که بخواهد با لجاجت، انبیا را به یأس کشاند، گرفتار قهری می‌شود که خود به یأس کشیده شود. ﴿مَبْلَسُونَ﴾
- ۴- در عذاب نهایی، جایی برای توبه و نجات نیست و عذاب شدگان مأیوس می‌شوند. ﴿مَبْلَسُونَ﴾

﴿۷۸﴾ وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا

تَشْكُرُونَ ﴿۷۹﴾ وَ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و اوست که برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها آفرید، چه اندک سپاسگزارید. و اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می‌شوید.

﴿۸۰﴾ وَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و اوست که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و رفت و آمد شب و روز برای اوست،

پس آیا نمی‌اندیشید؟

## پیام‌ها:

- ۱- راه‌های شناخت، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی‌اند. ﴿أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ...﴾
- ۲- راه شناخت، در محسوسات منحصر نیست، بلکه دل نیز از ابزار شناخت است. ﴿السَّمْعَ وَ الْاَفْئِدَةَ﴾

۳- شکر مُنعم واجب است و کسی که از نعمت‌ها درست استفاده نکند، ناسپاس و مورد توبیخ است. ﴿قلیلاً ما تشکرون﴾

۴- یاد نعمت‌های الهی، زمینه‌ی شناخت و شکر است. ﴿تشکرون﴾

۵- آفرینش انسان، هدفدار است. ﴿ذراکم - و الیه تحشرون﴾

۶- اندیشه و تعقل، انسان را به توحید می‌رساند. ﴿و هو الذی... أفلا تعقلون﴾

﴿۸۱﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿۸۲﴾ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَ

عِظَامًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿۸۳﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ

قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

(کافران هدایت نشدند) بلکه سخنی همانند گفته‌ی پیشینیان گفتند. گفتند:

آیا اگر مردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم، آیا ما بار دیگر

برانگیخته خواهیم شد؟ البتّه این حرف از قبل، به ما و پدران ما وعده داده

شده، این (حرف‌ها و وعده‌ها) جز افسانه‌های پیشینیان (چیزی) نیست.

#### نکته‌ها:

□ «اساطیر» جمع «اسطوره» و به معنای افسانه‌های دروغین است. این کلمه نُه بار در قرآن،

از زبان کفّار در برابر انبیا به کار رفته است.

#### پیام‌ها:

۱- کفّار در انکار معاد حرف تازه‌ای ندارند. ﴿مثل ما قال الاولون﴾

۲- کفّار، منطوق و استدلال ندارند و تنها حربه‌ی آنان در برابر حقّ، تعجب همراه با

انکار است. ﴿إِذَا﴾

۳- عدم تعقل، ریشه‌ی انکار حقّ است. (توجّه به مرگ و حیات و گردش شب و

روز، زمینه‌ساز ایمان به معاد می‌شود) ﴿یحیی و مییت... أفلا تعقلون... قالوا إذا میتنا﴾

﴿ ۸۴ ﴾ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿ ۸۵ ﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ  
قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

(به این کفار) بگو: اگر شما علم دارید، (بگویید) زمین و کسانی که در آن زندگی می‌کنند از کیست؟ آنان خواهند گفت: برای خداست بگو: پس آیا متذکر نمی‌شوید؟

﴿ ۸۶ ﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ  
﴿ ۸۷ ﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

بگو: پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟ (باز هم) خواهند گفت: برای خداست، بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟

#### نکته‌ها:

- «رب» به مالکی گفته می‌شود که در صدد حفظ و تدبیر ملک خود باشد.
- «عرش» مرکز فرماندهی خداوند و غیر از آسمان‌های هفتگانه است.

#### پیام‌ها:

- ۱- ریشه‌ی شرک، جهل و غفلت است. ﴿لمن الارض... ان كنتم تعلمون﴾
- ۲- یکی از شیوه‌های تبلیغ، طرح سؤال است. ﴿لمن الارض﴾
- ۳- علم مفید آن است که انسان را خداشناس کند. ﴿لمن الارض... ان كنتم تعلمون﴾
- ۴- هر انسان آگاهی می‌داند که زمین و همه‌ی کسانی که در آن هستند، بی‌صاحب و بی‌حساب نیست. ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ﴾
- ۵- وجدان، بهترین داور است. ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ﴾
- ۶- از گفتار و پاسخ خود مردم، سند موعظه و استدلال بگیرید. ﴿قل أفلا تذكرون﴾
- ۷- آسمان‌های هفتگانه و تمام هستی، تحت تدبیر اوست. ﴿رب السموات ...﴾

﴿۸۸﴾ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بگو: اگر می‌دانید (بگویید) فرمانروایی همه‌ی موجودات به دست کیست؟ او که (به همه) پناه می‌دهد، ولی هیچ کس در برابر او پناه ندارد.

﴿۸۹﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿۹۰﴾ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

به زودی خواهند گفت: (حکومت بر همه چیز) برای خداست. بگو: پس چگونه (می‌گویید پیامبر شما را سحر کرده و) شما مسحور او شده‌اید؟ (ما آنان را سحر نمی‌کنیم) بلکه حق را برای آنان آوردیم، و قطعاً آنان دروغ می‌گویند.

#### نکته‌ها:

- قرآن در سوره‌ی یس می‌فرماید: ﴿أَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾<sup>(۱)</sup> هر گاه خداوند چیزی را اراده کند، فرمان می‌دهد و آن، آفریده می‌شود؛ پس منزّه است خداوندی که ملکوت همه چیز به دست اوست. (بنابراین کلمه‌ی ملکوت به معنای قدرت مطلقه بر هستی است)
- کلمات «یجیر» و «یجار» از ریشه‌ی «جوار» به معنای همسایگی است. از آنجا که یکی از حقوق همسایگی، حمایت از همسایه در برابر سوء‌قصد دیگران است، لذا این کلمه به معنای پناه دادن و حمایت کردن بکار می‌رود.<sup>(۲)</sup>
- مراد از حق در آیه ﴿أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ﴾ یا معاد است یا قرآن، یا منطق و استدلال توحیدی.

۱. یس، ۸۲-۸۳.

۲. تفسیر المیزان.

## پیام‌ها:

- ۱- نحوه‌ی گفتگو با مخالفان را از قرآن بیاموزیم. ﴿قل﴾
- ۲- در شیوه‌ی تبلیغ، از فطرت‌های سالم و باورهای صحیح مردم، در راه رشد و هدایت آنان کمک بگیریم. ﴿قل مَنْ بیده ...﴾
- ۳- مالکیت خداوند گسترده و همه جانبه است. ﴿ملکوت کلّ شیء﴾
- ۴- پناه دادن خداوند، دائمی، مطلق و انحصاری است. ﴿و هو یجیر﴾
- ۵- در برابر قهر خداوند، هیچ پناهگاهی نیست. ﴿و لا یجار علیه﴾
- ۶- حاکمیت مطلقه خداوند را تنها عالمان در می‌یابند. ﴿ان کنتم تعلمون﴾
- ۷- در برابر عقاید انحرافی دیگران، موضع روشنی بگیرید. ﴿بل اتیناهم بالحق﴾
- ۸- کارهای خداوند، حق و حکیمانه است. ﴿بالحق﴾

﴿۹۱﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

خداوند هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست، (و اگر جز این بود،) قطعاً هر خدایی به سوی آفریده‌ی خود می‌رفت، و بی‌تردید بعضی از خدایان بر بعضی دیگر برتری می‌جست (و با این کار، هستی تباه می‌شد) خداوند از آنچه (مشرکان) توصیف می‌کنند منزّه است.

## پیام‌ها:

- ۱- عقیده به هرگونه فرزند برای خداوند ممنوع است. (خواه عیسی را فرزند او بدانیم یا فرشتگان و دیگران را) ﴿من ولد﴾
- ۲- هر مخلوقی در سیطره‌ی خالق است. ﴿لذهب کلّ اله بما خلق﴾
- ۳- تعدّد مدیریت، مانع موفقیت است. ﴿لذهب کلّ اله بما خلق﴾
- ۴- نظام هماهنگ و سامان یافته، نشانه یکتایی خداوند است. ﴿اذّ لذهب کلّ اله﴾

۵- داشتن فرزند و شریک، نشانه‌ی نیاز و محدودیت است، و لازمه محدودیت، برتری جویی است. ﴿لذهب - لعلا﴾

۶- تضاد میان قدرت‌ها، عامل فساد و ناپایداری است. ﴿لعلا بعضهم علی بعض﴾

۷- هر گاه تصورات غلط و انحرافی دیگران را بازگو کردیم، برای پاکسازی روح

خود و دیگران خداوند را تسبیح کنیم. ﴿سبحان الله عما یصفون﴾

۸- خدا را از همه‌ی انحراف‌ها و خرافه‌ها دور و منزّه بدانیم. ﴿عما یصفون﴾

### ﴿۹۲﴾ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

(اوست که) به غیب و شهود (نهان و آشکار) آگاه است؛ پس از هر چیزی که برای او شریک می‌گیرند برتر است.

﴿۹۳﴾ قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِنِي مَا يُوعَدُونَ ﴿۹۴﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي

### الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

بگو: پروردگارا! اگر آنچه را (از عذاب) که به آنان وعده داده شده (می‌خواهی) به من نشان دهی. پس پروردگارا! مرا در میان قوم ستمگر قرار مده.

#### نکته‌ها:

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی جمله «عالم الغیب و الشهادة» فرمود: غیب آن است که واقع نشده و شهادت چیزی است که محقق گشته باشد.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

۱- علم خداوند به همه چیز، رمز بی‌نیازی او از شریک است. ﴿ما کان معه من اله...﴾

عالم الغیب ﴿

۱. معانی الاخبار، ص ۱۴۶.



- ۲- علم خداوند نسبت به غیب و شهود یکسان است. ﴿عالم الغیب و الشهادة﴾  
 ۳- پیامبر ﷺ امین و وحی است. حتّی کلمه‌ی «قل» را نقل می‌کند. ﴿قل رب...﴾  
 ۴- حضور در میان ظالمان، خطر گرفتاری به عذاب‌های الهی را در پی دارد. ﴿فی القوم الظالمین﴾

### ﴿۹۵﴾ وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ

و بدون شک ما می‌توانیم آنچه را به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم.

#### نکته‌ها:

- خداوند در این آیه پیامبرش را دلداری داده است که قدرت دارد گمراهان و کافران را عذاب کند اما به دلایلی عذاب آنان را به تأخیر می‌اندازد از جمله:  
 الف: به آنان مهلت می‌دهد تا توبه کنند.  
 ب: با آنان اتمام حجّت کند.  
 ج: در آینده افراد مؤمنی از نسل آنان به وجود می‌آید.  
 د: به خاطر وجود پیامبر ﷺ که مایه‌ی رحمت و برکت است.

#### پیام‌ها:

- ۱- تأخیر عذاب، نشانه‌ی ناتوانی خداوند نیست. ﴿لقادرون﴾  
 ۲- از اینکه عاقبت کفار را به چشم خود نمی‌بینید، در قدرت خداوند شک نکنید.  
 ﴿نریک ما نعدهم لقادرون﴾

### ﴿۹۶﴾ اِدْفَعِ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

- (ای پیامبر!) بدی را به بهترین روش دفع کن. (در مقام انتقام و مقابله به مثل مباش) ما به آنچه مخالفان توصیف می‌کنند آگاه‌تریم. (می‌دانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می‌کنند)

﴿۹۷﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

و بگو: پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم.

﴿۹۸﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ

و پناه می‌برم به تو ای پروردگارا! از این که آنان نزد من حاضر شوند.

### پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اکرم ﷺ تحت تربیت خداوند و مأمور برخورد به بهترین شیوه با بدی‌های دشمنان است. ﴿ادفع بالّتی هیّیّ احسن﴾
- ۲- بدی را می‌توان با بدی پاسخ داد ولی این، برای رهبر شایسته نیست. ﴿ادفع بالّتی هیّیّ احسن﴾
- ۳- ایمان ما به علم خداوند، عامل صبر و حلم در ماست. ﴿نحن اعلم﴾
- ۴- پناه دادن از شئون ربوبیت است. ﴿ربّ أعوذبک﴾
- ۵- پیامبران نیز باید به خدا پناه ببرند. ﴿قل ربّ أعوذبک﴾
- ۶- پناه بردن به خداوند باید مکرر و جدی باشد. (تکرار «اعوذ»)
- ۷- تنها پناهگاه مطمئن خداست. ﴿بک﴾
- ۸- یکی از راه‌های نفوذ شیطان، اشاره‌ها و وسوسه‌های او نسبت به برخوردهای بد ما با دیگران است. ﴿همزات﴾
- ۹- شیاطین، متعدّد و وسوسه‌های آنان نیز گوناگون است. ﴿همزات الشیاطین﴾
- ۱۰- شیطان‌ها در انبیا نیز طمع دارند. ﴿همزات الشیاطین﴾

## ﴿ ۹۹ ﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

(آنها همچنان به توصیف‌های ناروا و کردارهای زشت خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ به سراغ یکی از آنان آید، می‌گویند: پروردگارا! مرا بازگردان.

## ﴿ ۱۰۰ ﴾ لَعَلِّيَ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنَ

## وَرَأَيْهِمْ بَرَزَخُ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

امید دارم در آنچه از خود به جای گذاشته‌ام (از مال و ثروت و...) کار نیکی انجام دهم. (به او گفته می‌شود:) هرگز. این گفته سخنی است که (به ظاهر) می‌گوید (ولی اگر برگردد، به آن عمل نمی‌کند) و در پی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

## پیام‌ها:

- ۱- غرور و غفلت برای گروهی دائمی است. ﴿حَقِّ إِذَا﴾
- ۲- منحرفان روزی بیدار خواهند شد و تقاضای بازگشت به دنیا خواهند کرد، امّا آن تقاضا نشدنی است. ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ﴾
- ۳- ضایع کردن عمر و فرصت، سبب حسرت در هنگام مرگ است. ﴿رَبِّ ارْجِعُونِ﴾
- ۴- عمل صالح، زاد و توشه‌ی بعد از مرگ است. ﴿ارْجِعُونِ لَعَلِّيَ أَعْمَلُ صَالِحًا﴾
- ۵- کسانی که مُکنت و امکاناتی دارند، باید بیشتر عمل صالح انجام دهند. ﴿اعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾
- ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن که تو نیاید هیچ کار
- ۶- دنیا مزرعه‌ی آخرت است. ﴿اعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ﴾

﴿۱۰۱﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ

﴿۱۰۲﴾ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

پس آن گاه که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان خویشاوندی است و نه (از حال یکدیگر) سؤال می‌کنند. پس کسانی که کفّهی اعمالشان سنگین باشد، ایشان همان رستگارانند.

﴿۱۰۳﴾ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي

جَهَنَّمَ خَالِدِينَ

و کسانی که کفّهی اعمالشان سبک باشد، پس آنان کسانی هستند که سرمایه‌ی وجود خود را از دست داده‌اند و همیشه در جهنّم می‌مانند.

#### نکته‌ها:

□ سؤال: در بعضی آیات آمده است که در قیامت مردم از یکدیگر سؤال می‌کنند، ﴿وَأَقْبِلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾<sup>(۱)</sup> و یا اهل بهشت از دوزخیان می‌پرسند: چه چیز باعث شد که شما به دوزخ در آیید؟ ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾<sup>(۲)</sup> پس چرا در آیه‌ی مورد بحث می‌فرماید: مردم از یکدیگر سؤال نمی‌کنند ﴿وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ دلیل این تفاوت چیست؟ پاسخ: این دو مطلب با هم منافاتی ندارند؛ در مورد اول که می‌فرماید: «مردم از همدیگر سؤال می‌کنند» این مربوط به پس از رسیدگی به حساب و کتاب است و درباره‌ی اهل بهشت و دوزخ است که مطالبی از یکدیگر می‌پرسند، ولی آیه‌ی مورد بحث درباره‌ی آغاز قیامت و زمان حساب و مرحله‌ی پیش از ورود مردم به بهشت یا دوزخ است که می‌فرماید: از یکدیگر سؤال نمی‌کنند.<sup>(۳)</sup>

۳. المیزان، ج ۱۵، ص ۶۹.

۱. صافات، ۲۷؛ طور، ۲۵. ۲. مدثر، ۴۲.

**پیام‌ها:**

- ۱- آغاز رستاخیز با نَفْح صور است. ﴿فَإِذَا نَفَخ... فَلَإِنْسَاب﴾
- ۲- در قیامت، اسناد افتخار دنیوی محو می‌شود. ﴿فَلَإِنْسَاب بَيْنَهُمْ﴾
- ۳- همه‌ی عمل‌های دنیوی حساب و کتاب دارند. ﴿فَنَنْتَقِلُتْ - وَ مَنْ حَفَّتْ﴾
- ۴- برای هر کاری میزانی است. ﴿مَوَازِينَهُ﴾
- ۵- بزرگ‌ترین خسارت انسان، هدر دادن عمر و استعدادهای خویش است. ﴿خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾
- ۶- رستگاران، کسانی هستند که برای قیامت ذخایری داشته باشند. ﴿هُمْ الْمَفْلُحُونَ﴾

**﴿ ۱۰۴ ﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ**

آتش، صورت آنها را می‌سوزاند و آنان در دوزخ چهره‌ای (زشت و) عبوس دارند. (با لب‌هایی وارونه و دندان‌هایی آشکار).

**﴿ ۱۰۵ ﴾ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ**

(به آنان گفته می‌شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد، پس آنها را دروغ می‌شمردید؟

**نکته‌ها:**

□ «لَفْح» به معنای سوزاندن چهره و «كَلْح» به معنای برگشتن لب و آشکار شدن دندان‌هاست.

**پیام‌ها:**

- ۱- آتش هر لحظه و پیوسته صورت‌های دوزخیان را می‌سوزاند. («تَلْفَح» فعل مضارع و رمز استمرار است)
- ۲- کفار در دوزخ، هم عذاب جسمی دارند، ﴿تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ﴾ و هم توبیخ و عذاب روحی. ﴿أَلَمْ تَكُنْ...﴾
- ۳- تغییر صورت توسط آتش، مایه‌ی تحقیر گنهکاران می‌گردد. ﴿كَالِحُونَ﴾

- ۴- عذاب خداوند بعد از اتمام حجّت است. ﴿تلفح وجوههم... ألم تکن آیاتی تلتی﴾  
 ۵- اصرار بر تکذیب، اساسی ترین رمز رفتن به دوزخ است. ﴿فکنتم بها تکذّبون﴾

﴿۱۰۶﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

﴿۱۰۷﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

گویند: پروردگارا! شقاوت (و بدبختی) ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه  
 بودیم. پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آور، اگر بار دیگر (به کفر و گناه)  
 بازگشتیم، قطعاً ستمگریم.

﴿۱۰۸﴾ قَالَ أَحْسِنُوا فِيهَا وَلَا تَكَلُمُونَ

(خداوند به آنان) گوید: دور شوید و در آتش گم شوید و با من سخن  
 مگویید.

#### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «خسأ» به معنای دور شدن همراه با توهین است که به سگ گفته می‌شود.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمود: با کسی که شراب می‌نوشد نشینید که آنان سگان دوزخند. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: <sup>(۱)</sup> ﴿قال احسنوا فيها...﴾
- در حدیثی آمده که صورت دوزخیان بعد از شنیدن «احسنوا» به صورت قطعه گوشتی در می‌آید که تنها نفس می‌کشد. <sup>(۲)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: دوزخیان به خاطر اعمالشان شقاوت‌مند شدند. <sup>(۳)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- وجدان‌ها در قیامت بیدار می‌شوند و مجرمان به گناهان خود ذلیلانه اعتراف می‌کنند. ﴿غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا﴾

۳. توحید صدوق، ص ۳۵۶.

۲. تفسیر در المنثور.

۱. بحار، ج ۷۶، ص ۱۴۷.

- ۲- دوری از راه انبیا، مایه‌ی شقاوت و بدبختی است. ﴿آیاتی تُتلى، غَلَبت علينا شِقوتنا﴾  
 ۳- خداوند در قیامت با کوبنده‌ترین کلمات، با کفّار سخن می‌گوید. ﴿اِخْسُوا فِيهَا وَ لَا تَكْلُمُونَ﴾

﴿۱۰۹﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

(آیا شما فراموش کردید که) گروهی از بندگان من می‌گفتند: پروردگار! ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگانی.

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند، زخم زبان منحرفان به مؤمنان را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. ﴿اِنَّهٗ كَانَ...﴾
- ۲- دعا به درگاه خداوند در دنیا مفید است، ﴿كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا...﴾ ولی دعا و التماس در قیامت مفید نیست. ﴿رَبَّنَا اِخْرِجْنَا... قَالَ اِخْسُوا﴾
- ۳- بندگان خداوند همواره از کاستی‌های خود بیمناک بوده و استغفار می‌کنند. ﴿كَانَ... يَقُولُونَ رَبَّنَا...﴾
- ۴- ایمان مقدمه‌ی مغفرت و مغفرت، مقدمه‌ی دریافت رحمت الهی است. ﴿اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾
- ۵- سرچشمه‌ی مهربانی‌ها خداست. ﴿وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾
- ۶- از آداب دعا، تجلیل از خداوند است. ﴿وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

﴿۱۱۰﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيًّا حَتَّىٰ اَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَصْحٰكُوْنَ

(اما) شما آنان را به مسخره گرفتید تا آن‌که (با این کار) یاد مرا از خاطرتان بردند و شما به آنان می‌خندیدید.

## نکته‌ها:

□ بین «سُخْرِيًّا» و «سِخْرِيًّا» تفاوت بسیاری است. اگر در جامعه روابط انسان‌ها بر اساس همدلی، تعاون و خدمت باشد و همه‌ی افراد از هنر و ابتکار یکدیگر بهره‌مند شوند، جامعه رشد می‌یابد، تقویت می‌شود و همه‌ی کارها سامان می‌یابد که آیه‌ی شریفه‌ی ﴿لِيَسْتَتِذَّ بِعَضْمِمْ بَعْضَا سُخْرِيًّا﴾<sup>(۱)</sup> این پیام را دارد. اما اگر روابط افراد بر اساس تحقیر، تضعیف و دشنام و دل‌سردی باشد، چنین جامعه‌ای فراموشی خدا و سقوط را در پی خواهد داشت و آیه‌ی مورد بحث این معنا را بازگو می‌کند. ﴿فَاتَّخَذْتُمُوهم سُخْرِيًّا﴾

□ این‌که مؤمنان وسیله‌ی غفلت کفار قلمداد شده‌اند، ﴿انسوكم ذکری﴾ شاید به خاطر آن باشد که اگر مؤمنان نبودند، حقیقت حق ستیزی آنان آشکار نمی‌شد.<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- کیفر توهین کردن، توهین شدن است. (خداوند از مؤمنان حمایت می‌کند و اهانت به آنان را پاسخ می‌دهد) ﴿فَاتَّخَذْتُمُوهم سُخْرِيًّا - اخسئوا فیها﴾
- ۲- بی‌اعتنایی به مراسم دعا و نیایش بندگان خدا، بی‌اعتنایی خدا را به دنبال دارد. ﴿سُخْرِيًّا - ولا تکلمون﴾
- ۳- مؤمنان همواره در معرض تمسخر کفار هستند. ﴿وکنتم منهم تضحکون﴾
- ۴- کیفر مسخره کردن مؤمنان، فراموش کردن یاد خداست. ﴿انسوكم ذکری﴾
- ۵- خنده‌ی تحقیرآمیز دائمی از گناهان کبیره است.<sup>(۳)</sup> ﴿وکنتم منهم تضحکون﴾ (حساب خنده‌های معمولی از خنده‌های مستکبران جداست)

۱. زخرف، ۳۲. ۲. تفسیر راهنما.

۳. هر گناهی که وعده عذاب را دنبال داشته باشد، از گناهان کبیره است و چون برای خنده تحقیرآمیز به مؤمنان دوزخ مطرح است، پس گناه کبیره است.



﴿ ۱۱۱ ﴾ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

من امروز به خاطر آن که (مؤمنان در برابر تمسخر و خنده‌ی شما) صبر کردند، به آنان پاداش دادم که ایشانند رستگاران.

﴿ ۱۱۲ ﴾ قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿ ۱۱۳ ﴾ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَأَلَ الْعَادِيْنَ

(خداوند) از آنان می‌پرسد: شما در زمین چقدر ماندید؟ می‌گویند: یک روز یا بخشی از یک روز، پس از شمارشگران بپرس.

﴿ ۱۱۴ ﴾ قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

می‌گوید: اگر آگاهی داشتید می‌دانستید که جز اندکی درنگ نکرده‌اید.

#### نکته‌ها:

- کلمه «فوز» به معنای رسیدن به مقصود است.
- در قیامت از مردم سؤال می‌شود: شما چه مدّتی در دنیا اقامت داشتید؟ «کم لبثتم» این سؤال چندین بار در قرآن مطرح شده و هرکس طبق پندار خود پاسخی می‌دهد از جمله:
  - \* ما به مقدار ساعتی از یک روز، در دنیا ماندیم. «ساعة من نهار»<sup>(۱)</sup>
  - \* یک شامگاه، یا یک صبح. «عشيّة اوضحاها»<sup>(۲)</sup>
  - \* یک روز یا قسمتی از یک روز. «يوماً او بعض يوم»<sup>(۳)</sup>
- ممکن است مراد از «کم لبثتم في الارض» مدّت توقّف در قبر و عالم برزخ باشد.

#### پیام‌ها:

- ۱- پاداش صابران، از طرف خود خداوند است. «إني جزيتهم» (صبر در برابر اذیت‌ها، نیش‌ها و تمسخرها پاداش بزرگی دارد)

۳. مؤمنون، ۱۱۳.

۲. نازعات، ۴۶.

۱. احقاف، ۳۵.

- ۲- رستگاری در سایه‌ی استقامت است. ﴿أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾  
 ۳- در قیامت تنها گروه رستگار صابرانند.<sup>(۱)</sup> ﴿أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾  
 صبر و ظفر هر دو دستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید.  
 ۴- حسرت بزرگ آن است که انسان برای لذت و راحتی چند روزه، دوزخ و عذاب همیشگی را خریداری کند. ﴿لَبِثْنَا يَوْمًا﴾  
 ۵- به مهلت روزگار مغرور نشوید، که مدتی بسیار اندک است. ﴿يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ﴾  
 ۶- همه‌ی عمر دنیا نسبت به ابدیت اندک است. ﴿يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ﴾  
 ۷- برخی از فرشتگان، مأمور شمارش و آمار ایام هستند. ﴿فَسئَلُ الْعَادِّينَ﴾

### ﴿۱۱۵﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

پس آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم، و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

#### نکته‌ها:

- قرآن برای آفرینش انسان اهدافی را بیان کرده است از جمله:
۱. عبادت. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۲)</sup> من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).
  ۲. آزمایش. ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾<sup>(۳)</sup> (خداوند) مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید، که کدام یک از شما بهتر عمل می‌کنید.
  ۳. برای دریافت رحمت الهی. ﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبِّيكَ وَ لَذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾<sup>(۴)</sup> مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند و (خداوند) برای همین (رحمت) مردم را آفرید.
- حضرت علی علیه السلام فرمود: «رحم الله امرء عرف قدره» خداوند رحمت کند کسی را که ارزش

۱. ضمیر «هم» در کنار «أَنَّهُمْ»، اشاره به انحصار رستگاری در آن گروه است.

۲. ذاریات، ۵۶. ۳. ملک، ۲. ۴. هود، ۱۱۹.

و اعتبار خود را بشناسد.<sup>(۱)</sup> و بداند از کجا آمده، اکنون در کجاست و سپس به کجا می‌رود.

□ امام حسین علیه السلام فرمود: «انَّ اللَّهَ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ» خداوند متعال بندگانش را نیافریده است مگر برای این که او را بشناسند، آن گاه که او را شناختند، عبادتش کنند و چون خدا را عبادت کردند، با پرستش و عبادت او از پرستش غیر او بی‌نیاز شوند.<sup>(۲)</sup>

□ حضرت علی علیه السلام فرمود: «الدُّنْيَا خُلِقَتْ لِغَيْرِهَا وَلَمْ تَخْلُقْ لِنَفْسِهَا»<sup>(۳)</sup> دنیا برای دیگری آفریده شده و برای خود آفریده نشده است. (دنیا وسیله‌ای است برای رسیدن به آخرت)

آری، کسانی که همه‌ی هدف‌های خود را در درون دنیا جستجو می‌کنند، زمین‌گرا و زمین‌گیر می‌شوند. چنانکه در آیه‌ی ۱۷۶ سوره اعراف آمده است: ﴿اِخْلُدْ إِلَى الْأَرْضِ﴾

هر دم از عمر گرامی هست گنج بی‌بدل می‌رود گنجی چنین هر لحظه بر باد آه آه

### پیام‌ها:

- ۱- آفرینش انسان، هدفدار است. ﴿أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾
- ۲- همه‌ی محاسبات انسان، واقع بینانه نیست. ﴿أَفْحَسِبْتُمْ﴾
- ۳- در کار خداوند عبث و بیهودگی راه ندارد. ﴿أَفْحَسِبْتُمْ... عَبَثًا﴾
- ۴- زندگی دنیا بدون آخرت، بیهوده و لغو است. ﴿عَبَثًا﴾
- ۵- انسان مسئول و متعهد است. (باید خود را برای پاسخ گویی در قیامت آماده کنیم). ﴿أَفْحَسِبْتُمْ... لَا تَرْجِعُونَ﴾
- ۶- هدف آفرینش انسان، در این جهان خلاصه نمی‌شود. ﴿أَفْحَسِبْتُمْ... لَا تَرْجِعُونَ﴾

﴿ ۱۱۶ ﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ

پس برتر است خداوندی که فرمانروای حق است (از این که شما را بیهوده آفریده باشد) خدایی جز او نیست که پروردگار عرش گرانقدر است.

۱. غررالحکم.

۲. بحار، ج ۵، ص ۳۱۲.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۶۳.

﴿۱۱۷﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

و هر کس با خداوند، معبود دیگری بخواند، هیچ برهانی بر کار خود ندارد، پس قطعاً حساب او نزد پروردگارش خواهد بود، قطعاً کافران رستگار نمی‌شوند.

﴿۱۱۸﴾ وَقُلْ رَبِّ أَعْفُوزُ وَأَرْحَمُ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

و بگو: پروردگارا! بیامرزش و رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگانی.

### نکته‌ها:

- در اول این سوره، ذیل آیه‌ی یک، گروهی از رستگاران را ذکر کردیم، در پایان سوره با توجه به جمله‌ی «لا یفلح» گروهی از زیانکاران را نیز یادآور می‌شویم:
- \* ستمگران. ﴿لا یفلح الظالمون﴾<sup>(۱)</sup>
  - \* گنهکاران. ﴿لا یفلح المجرمون﴾<sup>(۲)</sup>
  - \* جادوگران. ﴿لا یفلح الساحرون﴾<sup>(۳)</sup>
  - \* کافران. ﴿لا یفلح الکافرون﴾<sup>(۴)</sup>
  - \* آنها که به خداوند دروغ می‌بندند. ﴿انّ الذین یفترون علی اللّٰه الکذب لا یفلحون﴾<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند، کار عبث و بیهوده نمی‌کند. ﴿فتعالی اللّٰه﴾
- ۲- حکومت حق، از آن خداست. ﴿الملک الحق﴾
- ۳- هستی، تحت تربیت و مدیریت الهی است. ﴿ربّ العرش﴾ و در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿ربّ الناس﴾، ﴿ربّ العالمین﴾ و ﴿ربّ کلّ شیء﴾
- ۴- شرک، هر چه باشد محکوم است. ﴿یدع مع اللّٰه الها﴾

۳. یونس، ۷۷.

۲. یونس، ۱۷.

۱. انعام، ۱۳۵.

۵. یونس، ۶۹.

۴. مؤمنون، ۱۱۷.

۵- مشرک منطق ندارد. ﴿لَا بُرْهَانَ لَهُ﴾ (عقائد و رفتار انسان باید بر اساس دلیل و برهان باشد)

۶- پیامبر معصوم نیز به رحمت و مغفرت خداوند نیاز دارد. ﴿قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ﴾

۷- در دعا، ستایش از خدا را فراموش نکنیم. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»